

## مؤلفه‌هایی از اخلاق اجتماعی

### پیامبر اکرم ﷺ

منصور نصیری

گسترده‌ترین ارتباط انسان، ارتباط و تعامل با اعضای جامعه خویش است. در چگونگی ارتباط انسان با جامعه پیرامون، محورهای متعددی در گفتار و رفتار پیامبر اکرم ﷺ وجود دارد که در ادامه به برخی آنها اشاره می‌کنیم.

#### ۱. خوش اخلاقی

خوش اخلاقی، عنصری کلیدی در دینداری و عاملی مهم در موفقیت انسان است. شاید مهم‌ترین ویژگی رسول خدا ﷺ اخلاق برتر اوست که در قرآن نیز بدان اشاره شده است: «به راستی که تو دارای اخلاق عظیم هستی»<sup>۱</sup>. قرآن با تمجید نرم‌خویی رسول خدا ﷺ، تأکید می‌کند که اگر ایشان تندخو می‌بود، مردم از اطرافش پراکنده می‌شدند.<sup>۲</sup> خوش اخلاقی، در سیره اجتماعی پیامبر اکرم، از جایگاه والایی برخوردار است؛ به گونه‌ای که رسول خدا ﷺ، هدف رسالت خود را کامل کردن ویژگی‌های والای اخلاقی<sup>۳</sup> و در روایتی دیگر، کامل کردن خوش اخلاقی<sup>۴</sup> دانسته است تا آنجا که فرموده است: «اسلام همان اخلاق نیک است».<sup>۵</sup> آن حضرت در

۱. قلم/۴.

۲. آل عمران/۱۵۹.

۳. کنز العمال، ح ۵۲۱۷. (انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق).

۴. کنز العمال، ح ۵۲۱۷. (انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق).

۵. کنز العمال، ح ۵۲۱۵. (الاسلام حسن الخلق).

برخی روایات نیز اخلاق نیک را نصف دین دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

اخلاق نیکو را می‌توان کلید کسب دیگر فضایل و کمالات دانست. هر کس از این موهبت الهی برخوردار باشد، به راحتی می‌تواند، پله‌های ترقی و پیشرفت مادی و معنوی را طی کند. شاید به همین دلیل پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «بنده خدا با اخلاق نیک خود به بزرگ‌ترین درجات آخرت و منزل‌گاه‌ها و مراتب شریف می‌رسد...»<sup>۲</sup> اخلاق نیک با رسالت و شریعت ایشان درآمیخته که که مؤمن‌ترین افراد را خوش‌اخلاق‌ترین آنها می‌داند: «أكمل المؤمنين ایماناً أحسنهم خلقاً»<sup>۳</sup> و سنگین‌ترین عمل را در روز داوری، داشتن اخلاق نیک معرفی می‌کند.<sup>۴</sup> انسان کسانی را به خود نزدیک‌تر می‌داند که اخلاقشان بهتر باشد: «دوست داشتنی‌ترین شما برای من و نزدیک‌ترین شما به من در روز قیامت، خوش‌اخلاق‌ترین و متواضع‌ترین شماست».<sup>۵</sup>

رسول خدا ﷺ خوش‌اخلاقی را موجب جلب خیر دنیا و آخرت<sup>۶</sup> و مانع از آتش جهنم<sup>۷</sup> دانسته و فرموده است: «سه چیز است که اگر در کسی نباشد، نه از من است و نه از خدای عزوجل؛ بردباری‌ای که با آن جهالت نادانان را رد کند؛ اخلاق نیکی که با آن در میان مردم زندگی کند و ورعی که وی را از گناهان الهی باز دارد».<sup>۸</sup>

ایشان هم چنین فرموده‌اند: «نخستین چیزی که روز قیامت، در ترازوی اعمال بنده خدا گذاشته می‌شود، اخلاق نیک اوست».<sup>۹</sup> نیز فرمود: «چیزی بهتر از

۱. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۸۵؛ کنز العمال، ح ۵۱۴۱.

۲. المحجة البيضاء، ج ۵، ص ۹۳؛ میزان الحکمة، ج ۳، ص ۱۳۹.

۳. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۸۹.

۴. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۸۳.

۵. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۸۵.

۶. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۸۴.

۷. کنز العمال، ح ۵۱۹۰.

۸. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۳۸۶.

۹. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۸۵.

خوش اخلاقی، در ترازوی عمل انسان قرار نمی‌گیرد»<sup>۱</sup>. همچنین فرمود: «شبهه‌ترین انسان به من، خوش اخلاق‌ترین شماس»<sup>۲</sup> و «در قیامت، نزدیک‌ترین انسان به من کسی است که از همه خوش اخلاق‌تر باشد و برای خانواده‌اش از همه بهتر باشد»<sup>۳</sup>.

پیامبر کامل‌ترین مؤمنان را خوش اخلاق‌ترین آنها می‌دانست<sup>۴</sup> و بر خوش رویی با مردم و دست دادن با آنها تأکید می‌کرد و آن را اخلاق مؤمنان، صدیقان، شهدا و صالحان می‌شناساند.<sup>۵</sup> روزی مردی مقابل رسول خدا ﷺ ایستاد و از ایشان پرسید: «ای پیامبر خدا! دین چیست؟» فرمود: «خوش اخلاقی». مرد دوباره از سمت چپ ایشان آمد و همان پرسش را مطرح کرد و حضرت نیز دوباره فرمود: «خوش اخلاقی». این بار مرد از پشت سر ایشان آمد و همان سؤال را پرسید. رسول خدا ﷺ به او نگاه کرد و فرمود: «آیا دین را نمی‌فهمی؟ دین آن است که خشمگین نشوی»<sup>۶</sup>.

رسول خدا ﷺ در پاسخ به این پرسش که نیکی چیست نیز فرمود: «نیکی همان خوش اخلاقی است...»<sup>۷</sup> امام علی علیه السلام در بیان ویژگی‌های رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «ایشان زبان خود را از سخنان غیر لازم نگاه می‌داشت. همواره با مردم مأنوس بود و کاری نمی‌کرد که از اطرافش پراکنده شوند و از او گریزان باشند؛ بزرگ هر قوم و گروهی را احترام می‌کرد و وی را به حکمرانی قوم خود می‌گماشت... احوال یاران خود و از کارهای مردم جو یا می‌شد و کارهای نیک را

۱. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۷۴

۲. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۸۷.

۳. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۸۷

۴. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۸۷

۵. قال النبی ﷺ: من اخلاق المؤمنین والصدیقین والشهداء والصالحین البشاشة اذا بروا والمصافحة والترحيب اذا التقوا، (ابو عبد الرحمن سلمی، «آداب الصحبة وحسن العشرة» در: مجموعه آثار ابو عبد الرحمن سلمی، گردآوری نصرالله پور جوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول: ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۹۶.

۶. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۹۳.

۷. سنن الدارمی، عبدالله بن بهرام الدارمی، دمشق: مکتبة الاعتدال، ج ۲، ص ۳۲۲.

تحسین و تقویت، و کارهای زشت را تقبیح و تحقیر می‌کرد. در کارها میانه‌رو بود و از ترس آنکه مردم غافل شده، به انحراف گرایند، لحظه‌ای از کار آنها غافل نمی‌ماند...<sup>۱</sup> اخلاق ایشان در برخورد با مردم چنان نرم و گشاده بود که به تعبیر برخی پدر مردم شده بود...<sup>۲</sup>

در روایات مصادیق مختلفی برای ویژگی‌های والای اخلاقی یا مکارم اخلاق بیان شده که برخی آنها عبارت است از: راست‌گویی، امانت‌داری، صلۀ ارحام (پیوند با خویشان)، احترام به میهمان، اطعام نیازمندان، رعایت حقوق همسایگان و همراهان، حیا، گذشت، بیان حق هر چند به ضرر خود انسان باشد.<sup>۳</sup>

در برابر خوش اخلاقی، بد اخلاقی است که روایات، به پیامدهای منفی آن اشاره کرده‌اند. رسول خدا ﷺ فرمود: «بد اخلاقی عمل آدمی را فاسد می‌کند، همان سان که سرکه غسل را».<sup>۴</sup> همچنین فرمود: «دو خصلت در مسلمان جمع نمی‌شود: بد اخلاقی و بخل».<sup>۵</sup> بد اخلاقی از نگاه ایشان گناهی نابخشودنی است.<sup>۶</sup> که ممکن است آدمی را به پست‌ترین درجات جهنم بکشاند<sup>۷</sup> و حتی همه عبادات انسان را بی‌اثر کند؛ برای مثال روزی نزد رسول خدا ﷺ از زنی تعریف شد که روزها را روزه و شب‌ها را به عبادت مشغول است؛ اما بد اخلاق بوده، همسایگانش را با زبانش آزار می‌دهد. آن حضرت درباره او فرمود: «خیری در وی نیست؛ او در زمره اهالی آتش است».<sup>۸</sup>

۱. سنن النبی، ص ۵۰.

۲. سنن النبی، ص ۵۰.

۳. رک: بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۳۷۲ و...

۴. الخلق السیء یفسد العمل كما یفسد الخل العسل (بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۹۷).

۵. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۹۷.

۶. سوء الخلق ذنب لا یغفر. (میزان الحکمة، ج ۳، ص ۱۵۲؛ المحجة البیضاء، ج ۵، ص ۹۳).

۷. إن العبد لیبلغ من سوء خلقه اسفل درک جهنم. (میزان الحکمة، ج ۲، ص ۱۵۴).

۸. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۹۴.

## ۲. خیر خواهی

خیر خواهی اصلی بسیار مهم و کلیدی در موفقیت انسان و رسیدن به پاداش عظیم الهی است. در علم اخلاق، خیر خواهی در مقابل حسادت است. فرد خیر خواه خواهان بقای نعمت های خدا برای مردم است و هیچ دوست ندارد که به آنها بدی برسد. رسول خدا ﷺ همواره مردم را به خیر خواهی توصیه می کرد و می فرمود: «در روز قیامت بزرگ ترین منزلت و مقام از آن کسانی است که بیشترین گام ها را در راه خیر برای مردم برداشته باشند».<sup>۱</sup> نیز می فرمود: «انسان باید خیر خواه برادر مؤمنش باشد؛ همان سان که خیر خواه خودش است».<sup>۲</sup>

ایشان در سخنی فرموده اند: «هر کس در پی انجام کاری برای برادر مؤمنش باشد؛ ولی در حق او خیر خواه نباشد. به خدا و رسول خدا خیانت کرده است».<sup>۳</sup> آخرین مرتبه خیر خواهی این است که انسان آنچه برای خود دوست دارد، برای برادر دینی اش نیز دوست بدارد.<sup>۴</sup> رسول خدا ﷺ طی فرازی فرمودند: «انسان تا وقتی آنچه برای خود دوست دارد، برای برادر مؤمنش دوست نداشته باشد، ایمان نیآورده است»<sup>۵</sup> و نیز فرمود: «بنده خدا ایمانش کامل نمی شود؛ مگر آنکه اخلاقتش را نیکو کند، خشمش را فرو برد و آنچه برای خود دوست می دارد برای مردم نیز دوست بدارد؛ کسانی هستند که بدون انجام اعمال خاصی و تنها با خیر خواهی برای مسلمانان، وارد بهشت می شوند».<sup>۶</sup>

پیامبر اکرم ﷺ هیچ گاه از خیر خواهی مردم غافل نمی شد. چنان که گذشت، گاه از کسانی که در حضورش بودند، حال مردم را می پرسید و می فرمود: «باید

۱. قال ﷺ: «ان اعظم الناس منزلة عند الله يوم القيامة أمشاهم في أرضه بالنيحة لخلقهم»، جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۱۳.

۲. جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۱۳.

۳. قال ﷺ: من سعی في حاجة لآخيه فلم ينصحه، فقد خان الله ورسوله. (جامع السعادات، ۲/۲۱۳)

۴. جامع السعادات، ۲/۲۱۳.

۵. لا يؤمن أحدكم حتى يحب لآخيه ما يحب لنفسه. (سنن الدارمی، ج ۲، ص ۳۰۷؛ جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۱۴).

۶. كنز العمال، ح ۵۲۴۴.

حاضران به گوش غایبان برسانند و نیاز کسانی را که به من دسترسی ندارند، به من برسانید؛ چرا که هر کس نیاز شخصی را که خود قادر به رساندن آن نیست، به زمامدار برساند و بازگو کند، خداوند در روز قیامت، گام‌های او را استوار می‌گرداند...»<sup>۱</sup> از روی خیرخواهی برای مردم و هدایت آنها، خود را به زحمت‌های طاقت‌فرسا می‌انداخت؛ به گونه‌ای که خدای سبحان خطاب به ایشان فرمود: ﴿فَلَعَلَّكَ بَنِيعٌ تَنَسَّكَ عَلَىٰ ءَاتِرِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا﴾<sup>۲</sup>؛ (بیم آن می‌رود که اگر آنها به این سخن ایمان نیاورند، تو جان خود را از غم و اندوه در پیگیری [کار]شان تباه کنی!)

روشن است که اگر همه مردم، اصل گرانشنگ خیرخواهی را در کارهای خود به کار بندند، هم وجدان کاری تحقق می‌پذیرد و هم خیانت در کارها از جامعه رخت بر می‌بندد؛ دیگر هیچ‌کس، هیچ‌وقت در کار خود کوتاهی نمی‌کند، بلکه همگان، به دلیل خیرخواهی نسبت به دیگران، با نهایت دقت و دلسوزی، به کار خویش خواهند پرداخت و بدین ترتیب، جامعه جهش اقتصادی بزرگی خواهد کرد. امروزه، بسیاری جوامع اسلامی که اخلاق اسلامی در آنها نهادینه نشده، بیشترین زیان‌های اقتصادی و اجتماعی را از عدم رعایت این اصل می‌بینند.

### ۳. مردم‌داری

از روش‌های بسیار مؤثر در جذب مردم و نفوذ در قلوب آنان، در کنار آنها زیستن و دوری نکردن از آنهاست. مردم‌دار کسی است که همواره در کنار مردم باشد؛ با آنها خو بگیرد؛ با آداب و سنن آنها آشنا باشد و تا جایی که با دین خدا در تضاد نیست، آنها را رعایت کند و خود را در غم و شادی آنها شریک بداند. رسول خدا ﷺ با حلم، بردباری و نیک‌خواهی منحصر به فرد خود، همواره در کنار مردم و از حال آنها باخبر بود و در غم و شادی با آنها شریک بود؛ در تشییع جنازه شرک

۱. سنن النبی، ص ۴۸.

۲. کهف/ ۶.

می‌کرد و برای عیادت مریض، حتی در دورترین نقطهٔ مدینه، عازم خانهٔ او می‌شد.<sup>۱</sup> با مردم بسیار مأنوس بود و با کمال تواضع و بزرگواری با آنها برخورد می‌کرد؛ هیچ‌گاه خود را تافتهٔ جدا بافته نمی‌دانست و هرگز خود را از مردم متمایز نمی‌دانست؛ نیازهایش را خود از بازار تهیه می‌کرد و به دست خود به خانه می‌برد. به همگان، کوچک تا بزرگ، سلام می‌کرد و با ثروتمند یا فقیر هر دو مصافحه می‌کرد و تا فرد مقابل دستش را نمی‌کشید، دست مبارک خود را از دستش جدا نمی‌ساخت. رسول خدا ﷺ در مردم‌داری چنان حساس بود که براساس روایتی، اگر یکی از مسلمانان را سه روز نمی‌دید، از حال او جو یا می‌شد؛ اگر معلوم می‌شد که در مسافرت است، برایش دعا می‌کرد و اگر در مسافرت نبود، به دیدارش می‌شتافت و اگر بیمار بود، به عیادتش می‌رفت.<sup>۲</sup> هیچ‌کس را از توجه خویش استثنا نمی‌کرد؛ حتی دعوت بردگان را به گرمی می‌پذیرفت.<sup>۳</sup>

با اینکه آن حضرت از هر گونه تکلفی بیزار بودند و بین خود و دیگران هیچ امتیازی قائل نمی‌شدند، گاه برخی نیازمندان، مقهور شکوه مقام و نام پیامبری او می‌شدند؛ از این رو، پیامبر گاه کسانی را که به هنگام برخورد با ایشان دچار لکنت زبان می‌شدند، یا آثار تأثیرپذیری در چهره‌هایشان مشاهده می‌شد، در آغوش می‌گرفت و به آنها محبت می‌کرد و کاری می‌کرد که از شکوه و ابهت ایشان، دچار شتابزدگی و عجله نشوند... همچنین هرگاه نیازمندی نزد ایشان می‌آمد، فوراً می‌فرمود: اشکالی ندارد، اشکالی ندارد<sup>۴</sup> و بدین ترتیب کاری می‌کرد که وی هرگز احساس شرمندگی نکند.

مردم مدینه همیشه کودکان خود را نزد پیامبر می‌آوردند، تا برایشان از خدا خیر و برکت بخواهد یا ایشان را نامگذاری کند. رسول خدا ﷺ نیز کودک را در آغوش می‌گرفت و در دامان خود می‌نشاند. در این میان چه بسا کودک دامان آن

۱. بحار الانوار، ج ۱۶/۲۲۸.

۲. مکارم الاخلاق، الشیخ طوسی، ص ۱۹.

۳. الشمانل المحمدية، فصل فی تواضعه.

۴. سنن النبی، ص ۱۲۶.

حضرت را کثیف می‌کرد. برخی حاضران با ناراحتی بر سر کودک فریاد می‌کشیدند؛ ولی رسول خدا ﷺ آنها را از این کار نهی می‌کرد و می‌گذاشت تا کار کودک تمام شود و سپس دعا یا نامگذاری را تمام می‌کرد و بدین ترتیب، خانواده آن کودک را خوشنود می‌ساخت. هرگز حاضران مشاهده نکردند که پیامبر، از اینکه کودک لباس ایشان را نجس کرده، ناراحت شده باشد، پس از آنکه آنها بیرون رفتند، آن حضرت لباس خود را می‌شست. چنان رأفت و رحمتی به مردم داشت که اگر در حال نماز، صدای گریه کودکی را می‌شنید، سوره کوتاهی می‌خواند و نماز را زود تمام می‌کرد.<sup>۱</sup> این حرکات، از بزرگ‌ترین پیامبر خدا، نشان دهنده رحمت ایشان و شفقت و دلسوزی او نسبت به مردم است. به هر کس که نزد ایشان می‌رفت احترام می‌کرد؛ چندان که حتی گاه لباس خود را برای نشستن او پهن می‌کرد یا او را در جای خود می‌نشاند.<sup>۲</sup> روزی جریر بن عبدالله به خانه رسول خدا ﷺ رفت؛ اما خانه ایشان پر بود و وی جایی برای نشستن نیافت، از این رو، در بیرون خانه نشست. وقتی رسول خدا ﷺ وضعیت او را دید، لباس خود را برداشت و به هم پیچید و به او داد و فرمود: بر روی آن بنشین. جریر آن را برداشت و بر گونه‌های خود گذاشت و بوسید. سلمان فارسی نیز چنین ماجرای را نقل می‌کند و می‌گوید: نزد رسول خدا ﷺ رفتم. آن حضرت بالشی را که بر آن تکیه کرده بود، به من داد و فرمود: «ای سلمان هیچ مسلمانی نیست که مستکایش را برای احترام به برادر مسلمانش بدهد، مگر آنکه خدا او را می‌آمزد.»<sup>۳</sup> در خارج خانه با فقیران بسیار معاشرت می‌کرد و این کار را چنان دوست می‌داشت که در راز و نیاز خود با خدا می‌فرمود: «خدایا مرا در حال حیات و ممات نیازمند قرار ده و در زمره نیازمندان محشورم کن...»<sup>۴</sup>

از جلوه‌های مردم‌داری، مدارا با مردم در مواردی است که با دین الهی مخالفتی

۱. مکارم الاخلاق، طبرسی، ص ۲۵.

۲. سنن النبی، ص ۱۱۸.

۳. مکارم الاخلاق، ص ۲۱.

۴. اللهم احیني مسکیناً و امنتی مسکیناً و احشرنی فی زمره المساکین... (مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۰۳).



نداشته باشد؛ رسول خدا ﷺ به مدارا با مردم بسیار اهمیت می داد و می فرمود: «پروردگارم، مرا به مدارا با مردم امر کرده؛ به همان سان که به ادای واجبات»<sup>۱</sup>. ایشان مدارا با مردم را نصف ایمان و رفق و آسان گیری با آنها را نصف عیش می دانست<sup>۲</sup> و می فرمود: «خدا رفق و مدارا را در همه کارها دوست دارد و بر آن پاداشی می دهد که به سخت گیری و عدم مدارا نمی دهد»<sup>۳</sup>.

یکی پیامبر اکرم یکی از دلایل برتری پیامبران بر سایر مردم را شدت مدارای آنها با دشمنان دین خدا می دانست<sup>۴</sup> و می فرمود: «سه چیز است که اگر در کسی نباشند، هیچ کاری از او به سرانجام نخواهد رسید: [تقوا و] ورعی که وی را از ارتکاب گناهان الهی باز دارد؛ اخلاق [نیکی] که با آن با مردم مدارا کند و بردباری ای که جهالت نادانان را دفع کند»<sup>۵</sup>.

#### ۴. مردم یاری

رسول خدا ﷺ شیفته یاری رساندن به مردم بود، چنان که گاه زندگی اش را در این راه می گذاشت. سرور مردم را کسی می دانست که به آنها خدمت کند. می دانیم که بهترین و لذت بخش ترین حالت برای رسول خدا حال نماز بود؛ اما کمک به مردم در نظر ایشان چنان اهمیتی داشت که اگر در حال نماز کسی کنارش می نشست، نماز خود را کوتاه می کرد و بلافاصله پس از نماز به او رو می کرد و می فرمود: «آیا نیازی دارید؟»<sup>۶</sup> روزی زنی نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: «با شما کاری دارم».

۱. بحار الانوار، ج ۲، ص ۶۹.

۲. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۴۵.

۳. قال النبی ﷺ: «ان الله يحب الرفق و يعطى عليه ما لا يطفى على العنف» و قال: «ان الله يحب الرفق فى الامر كله». (سنن الدارمی، ج ۲، ص ۳۲۳)

۴. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۰۱.

۵. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۳۷.

۶. قال النبی ﷺ: «سید القوم خادمهم». (ابوعبدالرحمن سلمی، «آداب الصحبة و حسن العشرة» در: مجموعه آثار ابوعبدالرحمن سلمی، گردآوری نصرالله پور جوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۹۷).

۷. سنن النبی، ص ۱۱۸.

حضرت پاسخ داد: «در هر یک از راه‌های مدینه که مایلی بنشین، من نیز با تو خواهم نشست<sup>۱</sup> [و به کارت رسیدگی خواهم کرد]». امام صادق علیه السلام فرمود: «به خدا قسم که رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی نیاز کسی به او می‌رسید، برای برآورده کردن آن، از خود صاحب نیاز بیشتر خوشحال می‌شد».<sup>۲</sup>

اگر رسول خدا صلی الله علیه و آله بر مرکبی سوار بود، اجازه نمی‌داد کسی در کنار او پیاده باشد و او را نیز سوار می‌کرد و اگر او از این کار امتناع می‌کرد، می‌فرمود: «پس جلو تر از من برو و همان جایی که می‌خواهی خود را به من برسان».<sup>۳</sup> از هیچ فرصتی برای یاری رساندن به مردم دریغ نمی‌ورزید: «هر کس در برابر ستمگری، از مؤمنی حمایت کند، خدا روز قیامت فرشته‌ای برایش می‌گمارد که در برابر آتش جهنم، از گوشت بدن او حمایت کند».<sup>۴</sup> همچنین می‌فرمود: «هر کس غم و غصه کسی را برطرف کند یا به مظلومی کمک برساند، خداوند سی و هفت بار او را می‌بخشد».<sup>۵</sup> یاری مردم را در مورد همه آنها، اعم از نیکوکار یا بدکار سفارش می‌کرد و بدان را از خود نمی‌راند و یاری کردن آنها را هدایت و باز داشتن آنها از ارتکاب گناه می‌دانست. روزی به یاران خود فرمود: «برادرت را یاری کن، خواه ظالم باشد یا مظلوم». از ایشان پرسیدند: «چگونه در حالی که ظالم است یاریش کنیم؟» فرمود: «بدین گونه که او را از ظلم باز داری».<sup>۶</sup>

در فرازی دیگر فرمود: «هر کس در حالی صبح کند که به امور مسلمانان اعتنایی ندارد، مسلمان نیست».<sup>۷</sup> نیز می‌فرمود: «هر کس یک نیاز از نیازهای برادر مؤمنش را برآورده سازد، چنان است که گویی به اندازه همه عمرش، خدا را

۱. الشامل المحمدية، فصل فی تواضعه.

۲. والله لرسول الله صلی الله علیه و آله أسر بقضاء حاجة المؤمن اذا وصلت اليه من صاحب الحاجة. (جامع السعادات، ج ۲،

ص ۲۳۱)

۳. مکارم الاخلاق، طبرسی، ص ۲۲.

۴. من حمی مؤمنا من ظالم بعث الله ملكاً یوم القیامة یحمی لحمه من نار جهنم. (جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۲۵)

۵. جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۲۵.

۶. جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۲۵.

۷. من اصبح لایهتم بامور المسلمین فلیس بمسلم (جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۲۸).

عبادت کرده است.<sup>۱</sup> از نظر ایشان حرکت برای برآورده ساختن نیاز برادر مسلمان، حتی در صورتی که نتواند به نتیجه برسد، پاداش خود را دارد: «هرکس برای برآوردن نیاز برادر [مسلمان]ش در ساعتی از روز یا شب اقدام کند، این کار برای او از اعتکاف دو ماه بهتر خواهد بود؛ خواه آن نیاز را برآورده سازد یا نه».<sup>۲</sup>

هنگامی که از ایشان پرسیدند: «محبوب‌ترین مردم نزد خدا کیست؟» فرمود: «کسی که بیشترین نفع را برای مردم داشته باشد»<sup>۳</sup> و در فرازی دیگر فرمود: «دو ویژگی نیک است که بالاتر از آنها نیکی‌ای وجود ندارد: ایمان به خدا و نفع رساندن به بندگان خدا»<sup>۴</sup> و نیز فرمود: «مردم عیال خدایند، پس محبوب‌ترین مردم نزد خدا کسانی هستند که به عیال خدا نفع برسانند و اعضای خانه خدا را خوشنود سازند»<sup>۵</sup> و «هرکس برادر مسلمانش را با گفتن کلمه‌ای لطف‌آمیز احترام کند و غمش را برطرف سازد، همواره در سایه گسترده خدا خواهد بود و مادام که بر آن حال است، رحمت خدا شامل حالش خواهد بود».<sup>۶</sup> همچنین فرمود: «مسلمان برادر مسلمان است؛ به او خیانت نمی‌کند و به او دروغ نمی‌گوید و او را تنها نمی‌گذارد؛ همه امور مسلمان، خواه آبرو یا مال یا خونش، بر مسلمان حرام است. تقوا در همین است. در شرارت و بدی انسان همین بس که برادر مسلمانش را تحقیر کند».<sup>۷</sup> «مؤمن نسبت به مؤمن، همانند ستون است که یکدیگر را تقویت (و یاری) می‌کنند».<sup>۸</sup> ایشان مؤمنان را یکپارچه می‌دانست و آنان را چون اعضای یک

۱. من فضی لآخیه المؤمن حاجة فکانما عبد الله دهره. (جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۲۸)

۲. من مٹی فی حاجة آخیه ساعة من لیل او نهار، قضاها اولم یقضها، کان خیرا له من اعتکاف شهرین. (جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۳۰).

۳. قال: انفع الناس للناس. جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۱۸.

۴. خصلتان من الخیر لیس فوقهما شیء من البر: الایمان بالله و النفع لعباد الله. (جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۱۸).

۵. قال ﷺ: «الخلق عیال الله، فأحب الخلق الی الله من نفع عیال الله و ادخل علی اهل بینه سرورا» (جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۱۸ و اصول کافی، باب الاهتمام بأمر المسلمین).

۶. جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۱۶.

۷. سنن الترمذی، ج ۳، ص ۲۱۸، ح ۱۹۹۲.

۸. المؤمن للمؤمن کالبنیان یشد بعضه بعضا. (سنن الترمذی، ج ۳، ص ۲۱۸، ح ۱۹۹۳).

پیکر تشبیه می‌کرد که با ناراحتی یک عضو، سایر اعضا نیز به درد می‌آیند.<sup>۱</sup> در جنگ‌ها و مسافرت‌ها، همواره مراقب همراهان خود بود و معمولاً در انتهای صف و گروه راه می‌رفت تا به کسانی که به کمک نیاز دارند، یاری برساند و گاه حتی چنان با سربازان عادی صمیمی می‌شد که از پدر و مادر او و خانواده و مشکلات زندگی خانوادگی اش جو یا می‌شد و در برطرف کردن مشکلات آنها می‌کوشید. یکی از این نمونه‌ها خاطره‌ای است که جابر بن عبدالله نقل می‌کند که در ضمن آن رسول خدا ﷺ از ازدواج او و مشکلات خانوادگی او پرسید و بعدها به او کمک کرد.<sup>۲</sup>

امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس نیازی از نیازهای برادر مسلمانش را برآورده سازد خدا در روز قیامت، صد هزار نیاز او را برآورده می‌کند که از جمله آنها نخستین آنها بهشت است و یکی دیگر این است که نزدیکان و خویشان و برادرانش را وارد بهشت می‌کند...»<sup>۳</sup>

## ۵. رعایت حقوق مردم

از نگاه اسلام، این مسئله بسیار روشن است که حقوق مردم بر حق خدا مقدم است، چرا که ممکن است خدا در روز قیامت از حقوق خود بگذرد و بندگان را ببخشد؛ اما هیچ فردی در قیامت از حقوق خود نمی‌گذرد. امام علی علیه السلام فرمود: «خدا حقوق بندگان خود را بر حقوق خود مقدم کرده است، پس هر کس که حقوق بندگان خدا را رعایت کند، حقوق خدا را نیز رعایت کرده است.»<sup>۴</sup> رسول خدا ﷺ

۱. قال النبی ﷺ مثل المؤمنین فی توادهم و تراحمهم کمثل الجسد الواحد اذا اشتکی عضو منه نداعی سائره بالحمی و السهر. (ابو عبدالرحمن سلمی، «آداب الصحبة و حسن العشرة» در: مجموعه آثار ابو عبدالرحمن سلمی، گردآوری نصر الله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول: ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۴.) (و نیز ر. ک: البخاری، ج ۴، ص ۴۴، س ۲۴)

۲. ر. ک: مکارم الاخلاق، ص ۲۰.

۳. جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۳۰.

۴. غرر الحکم.

بر ادای حقوق مردم تأکید فراوانی داشت، از روایات حقوق زیادی استنباط می‌شود که برخی آنها عبارت است:<sup>۱</sup>

۱. هر چه برای خود می‌پسندی، برای دیگران نیز پسند.
۲. پرهیز از آزار آنها با گفتار با کردار.
۳. پرهیز از تکبر نسبت به آنها.
۴. پرهیز از سخن چینی و نیز گوش دادن به سخن چینی سخن چینان.
۵. عدم قطع رابطه بیش از سه روز.
۶. نیکی کردن در حق آنها با حداکثر توان.
۷. خوش اخلاقی، نرم خوئی و گشاده رویی نسبت به همه.
۸. وفای به عهد و پیمان با آنها و عدم خیانت به آنها.
۹. احترام به همه براساس شأن و منزلتی که دارند، به ویژه احترام به بزرگان هر قوم.
۱۰. خیرخواهی برای آنها.
۱۱. اصلاح و آشتی دادن کسانی که به عللی از یکدیگر جدا شده، دشمنی پیدا کرده‌اند.
۱۲. پرده‌پوشی از زشتی‌ها و خطاهای مردم.<sup>۲</sup>
۱۳. کوشش در رفع نیاز آنها تا حد امکان.
۱۴. سلام کردن به مردم.
۱۵. همنشینی با نیازمندان.
۱۶. پی‌جویی وضعیت مردم و رسیدگی به مشکلات آنها و شرکت در مجالس و مراسم آنها.
۱۷. موااسات با آنها در دارایی خود.
۱۸. عیادت آنها به هنگام بیماری.
۱۹. شرکت در تشییع جنازه آنها.

۱. ر.ک: سنن الدارمی، ج ۲، ص ۲۷۵ و ج ۳، ص ۲۲۴ و بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۲۲ و...

۲. قال النبی ﷺ من ستر علی مسلم ستره الله تعالی فی الدنیا و الآخرة.

۲۰. به نیکی یاد کردن از آنها پس از مرگشان.

در این میان در روایات، افزون بر حقوق پدر و مادر و خویشاوندان، بر حقوق برخی افراد جامعه بیشتر تأکید شده است؛ نظیر حقوق همسایگان، دوستان، میهمانان و زبردستان انسان.

سفارش درباره حقوق همسایگان بسیار فراوان است؛ برای مثال رسول خدا ﷺ فرمود: «بهترین یاران خدا کسانی هستند که نسبت به یاران خود بهترین باشند و بهترین همسایگان خدا کسانی اند که برای همسایه خود بهترین باشند»<sup>۱</sup>.

عبدالله بن عمرو گوسفندی را برای مجاهد ذبح کرد و پس از ذبح گوسفند نزد وی برد. مجاهد دو بار از او پرسید: «آیا از این گوسفند، به همسایه یهودی ما هم هدیه کردید؟» من از رسول خدا ﷺ شنیدم که می فرمود: «جبرئیل همواره مرا به رعایت حقوق همسایه سفارش می کرد؛ چندان که پنداشتم، همسایه را نیز یکی از وارثان قرار خواهد داد»<sup>۲</sup>. این روایت را عایشه نیز نقل کرده است.<sup>۳</sup> امام علی علیه السلام نیز در آستانه شهادت خویش، همین روایت را نقل کرده است.<sup>۴</sup>

رسول خدا ﷺ در فراز دیگری، حرمت همسایه را چون حرمت مادر می داند.<sup>۵</sup> یکی از مردان انصار نزد رسول خدا ﷺ آمد و گفت: «از فلانی خانه‌ای خریده‌ام؛ اما نزدیک‌ترین همسایه‌ام کسی است که از او هیچ خیری امید ندارم و از شرش هم در امان نیستم». رسول خدا ﷺ به امام علی علیه السلام، سلمان و ابوذر دستور داد که از طرف ایشان با بلندترین صدا، سه بار اعلام کنند که هر کس همسایه‌اش از شر او در امان

۱. سنن الترمذی، ج ۳، ص ۲۲۴.

۲. سنن الترمذی، ج ۳، ص ۲۲۳؛ (ما زال جبرئیل یوصینی بالجار حتی طنت أنه سیورته).

۳. سنن الترمذی، ج ۳، ص ۲۲۴.

۴. الله الله فی جيرانکم فانه وصية نبيکم، ما زال یوصی بهم حتی ظننا انه سیورتهم. (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۵۳).

۵. حرمة الجار علی الانسان کحرمة امه. (بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۵۴).

نباشد، ایمان ندارد. آنها نیز اعلام کردند: سپس رسول خدا ﷺ با دستش به چهل خانه از مقابل پشت سر و از سمت راست و چپش اشاره کرد (و آنها را همسایه انسان دانست).<sup>۱</sup> در فراز دیگری فرمود: «هر کس همسایه‌اش را بیازارد، خدا بوی بهشت را بر او حرام می‌کند و جایگاهش در آتش است که چه بد جایگاهی است! و هر کس حق همسایه‌اش را تضييع کند، از ما نیست؛ جبرئیل همواره درباره همسایگان به من سفارش می‌کرد؛ به گونه‌ای که پنداشتم، همسایه را یکی از وارثان قرار خواهد داد».<sup>۲</sup>

در برخی روایات، حتی در مورد خوراک و پوشاک همسایه نیز سفارش شده است: «هر کس که سیر بخوابد؛ ولی همسایه‌اش گرسنه باشد، به من ایمان نیاورده است».<sup>۳</sup> روزی یکی از یاران رسول خدا ﷺ، سر وقت به قراری که با رسول خدا ﷺ گذاشته بود، نرسید. وقتی خدمت رسول خدا ﷺ رسید، ایشان از او پرسید «چه شد که دیر آمدی؟» او گفت: «لباسی نداشتم که بپوشم و بیرون بیایم». رسول خدا ﷺ فرمود: «آیا همسایه‌ای که دو دست لباس داشته باشد، نداشتی که یکی از آنها را به تو عاریه دهد؟» گفت: «چنین همسایه‌ای دارم». رسول خدا ﷺ فرمود: «[اکنون که لباسش را به تو عاریه نداده،] برادر تو محسوب نمی‌شود».<sup>۴</sup>

رسول خدا ﷺ حقوق همسایه را چنین برشمردند:

۱. اگر از تو کمکی طلبید، کمکش کنی.
۲. اگر قرضی خواست، قرض بدهی.
۳. اگر نیازمند شد، تنهایش نگذاری.
۴. اگر به او خیری رسید، به او تبریک بگویی.
۵. اگر بیمار شد، به عیادتش بروی.
۶. اگر دچار مصیبتی شد، به او تسلیت و دلگرمی دهی.

۱. لا ایمان لمن لم یأمن جاره بوائقه. (وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۴۸۷).

۲. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۵۰.

۳. ما آمن بی من بات شعباناً و جاره المسلم جانع. (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۵۲).

۴. مصادفة الاخوان، ص ۳۶.

۷. اگر درگذشت به تشییع جنازه اش بروی.

۸. خانهات را چندان بلند نسازی که مانع از رسیدن باد به او شود؛ مگر آنکه خود او اجازه دهد.

۹. اگر میوه ای خریدی، به او نیز بدهی و اگر چنین قصدی نداری، مخفیانه به خانهات ببری تا او نبیند.

۱۰. اجازه ندهی که فرزندان میوه را بیرون برد و باعث حسرت و اندوه فرزندان همسایهات شود.

۱۱. با بوی غذاهایت او را نیازاری، مگر آنکه مانع از رسیدن بوی غذایت به او شوی.<sup>۱</sup>

حقوق زیردستان و کسانی که به گونه ای زیر نظر انسان کار می کنند، اهمیت بسیار زیادی دارد؛ رسول خدا ﷺ بر این نکته تأکید می کرد و می فرمود: «هر کس برادر مسلمانی، زیر دست او بود، باید از آنچه خود می خورد، به او بدهد و از آنچه خود می پوشد، بر او بپوشاند و به وی کاری واگذار نکند که از عهده اش بر نمی آید و اگر (بنا به ضرورت) چنین کرد، به او در انجام آن کمک کند.»<sup>۲</sup>

### ۶. وفای به عهد

از اصول ضروری و شایسته سیره پیامبر اکرم ﷺ، وفای به عهد است. قرآن کریم، وفای به عهد را یکی از ویژگی های مؤمنان می داند و به صراحت دستور می دهد: «ای کسانی که ایمان آورده اید، به پیمان های خود وفادار باشید».<sup>۳</sup>

وفای به عهد، از مهم ترین اصول زندگی رسول خدا ﷺ بود. آن حضرت بر عمل به پیمان و عدم نقض آن، حتی در صورتی که طرف پیمان، کافر یا دشمن

۱. مسکن الفؤاد عند فقد الاحبة والاولاد. الشهيد الثاني، التحقيق: مؤسسة آل البيت لإحياء التراث، الطبعة الاولى: ۱۴۰۷، ص ۱۰۵.

۲. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۴۱ - ۱۴۲.

۳. مائده/۱۰.



انسان باشد، تأکید می‌کرد و هرگز هیچ پیمانی را زیر پا نمی‌گذاشت. همواره سفارش می‌کرد که مسلمان باید به عهد و پیمانش وفا کند: «هر کس وفای به عهد نداشته باشد، دین ندارد». <sup>۱</sup> امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: رسول خدا صلی الله علیه و آله با مردی قراری گذاشت که در کنار صخره‌ی مشخصی منتظر او بماند. آن حضرت به ایشان فرمود: من در اینجا منتظر شما می‌مانم تا برگردی، پس از مدتی حرارت آفتاب شدت یافت و اصحاب ایشان گفتند: یا رسول الله! ای کاش به سایه می‌آمدی (تا آفتاب شما را نیازارد). ایشان این درخواست را نپذیرفت و فرمود: من با آن مرد در اینجا قرار گذاشته‌ام و در همین جا منتظر او می‌مانم و اگر نیامد، خلف و عده از طرف او خواهد بود. بر اساس نقل برخی، آن حضرت تا سه روز در همان نقطه در انتظار آن مرد ماند و وقتی او را دید، بی‌هیچ عصبانیتی فرمود: ای جوانمرد! مرا به زحمت انداختی، سه روز است که در اینجا هستم. <sup>۲</sup>

## ۷. امانت‌داری

امانت‌داری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله زبانزد عام و خاص بوده و هست؛ حتی پیش از بعثت نیز آن حضرت در میان مردم مکه، با لقب «امین» مشهور بود؛ بدترین دشمنان ایشان نیز وی را فردی امین می‌شمردند و در امانت‌داری او تردیدی نداشتند. هر کس حتی اگر نخ و سوزنی نزد آن حضرت به امانت می‌گذاشت، ایشان آن را به وی باز می‌گرداند. <sup>۳</sup> ایشان بر امانت‌داری تأکید می‌کرد و کسانی را که از این ویژگی بی‌بهره بودند، اساساً بی‌ایمان می‌دانست. <sup>۴</sup> از نظر ایشان یکی از مهم‌ترین ملاک‌های سنجش و ارزیابی انسان‌ها امانت‌داری آنهاست؛ «به کثرت نماز، روزه، حج و...

۱. قال النبی صلی الله علیه و آله: لا دین لمن لا عهد له... (بحار الانوار، ج ۹، ۱۹۷)

۲. مکارم الاخلاق، ص ۲۱؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۵.

۳. الکافی، ج ۲، ص ۶۳۶.

۴. قال النبی صلی الله علیه و آله: لا ایمان لمن لا امانة له. (بحار الانوار، ج ۹، ص ۱۹۸)

آنها منگرید، بلکه به راست‌گویی و امانت‌داری آنها بنگرید.<sup>۱</sup> نیز می‌فرمود:  
«امانت‌داری موجب غنا و خیانت موجب فقر است».<sup>۲</sup>

## ۸. راست‌گویی

راست‌گویی از فضایل بسیار مهم اخلاقی است که در صورت همگانی شدن، اعتماد افراد به یکدیگر مستحکم شده، جامعه انسانی به امنیت خواهد رسید. خدای سبحان در قرآن کریم، مؤمنان را پس از سفارش به تقوای الهی، به وارد شدن در زمره راست‌گویان فرا می‌خواند.<sup>۳</sup> رسول خدا ﷺ راست‌گویی را زینت گفتار می‌داند<sup>۴</sup> و از نزدیک‌ترین افراد را به خود در روز قیامت، راست‌گوترین آنها معرفی می‌کند. چنان‌که گذشت، راست‌گویی را از مهم‌ترین معیارهای سنجش و ارزیابی انسان‌ها برمی‌شمرد. در برابر راست‌گویی، رذیلت دروغ‌گویی قرار دارد. سخن از آن به مجال دیگری نهاده می‌شود.

## ۹. بخشش

پیامبر اعظم ﷺ سرآمد بخشندگان بود. آن حضرت خود به مردم می‌فرمود: «هر کس از ما چیزی بخوهد، از آنچه در اختیار داریم، دریغ نخواهیم کرد».<sup>۵</sup> جبرئیل علیه السلام می‌گوید: «من همه خانواده‌های روی زمین را بررسی کردم و در میان ایشان، بخشنده‌تر از رسول خدا ﷺ نیافتم».<sup>۶</sup>

ابوسعید خدری می‌گوید: «رسول خدا ﷺ بسیار با حیا بود؛ هیچ‌گاه از او چیزی

۱. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۱۴، قال النبی ﷺ: لا تنظروا إلى كثرة صلاتهم وصومهم، و كثرة الحج والمعروف، و طنطنتهم بالليل، ولكن انظروا إلى صدق الحديث وأداء الأمانة.
۲. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۱۷۷.
۳. توبه/ ۱۱۹.
۴. قال النبی ﷺ: زينة الحديث الصدق. (بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۹).
۵. مستدرک الوسائل، ج ۷، ص ۲۲۳.
۶. سنن النبی، ص ۱۲۶.

نخواستند، مگر آنکه پاسخ مثبت داد.<sup>۱</sup> اگر زمانی چیزی نزد ایشان نبود، قول می داد که به زودی آن حاجت را برآورده سازد.<sup>۲</sup> روزی فردی خدمت ایشان رسید و تقاضای کمک کرد. رسول خدا ﷺ فرمود: «اکنون چیزی ندارم، اما به حساب من خرید کن و وقتی چیزی به دستم رسید، بهای آن را می پردازم». عمر که شاه ماجرا بود، به ایشان گفت: «ای پیامبر خدا! به او بخشش کردی، در حالی که خدا آنچه در توان تو نیست، بر تو تکلیف نکرده است». رسول خدا ﷺ از سخن او ناخشنود شد. یکی از انصار که آنجا حاضر بود، گفت: «ای پیامبر خدا (هرچه می خواهی) انفاق کن و از خدا درباره فقر و نداری خود نترس». تبسم در چهره رسول خدا ﷺ مشهود شد و فرمود: «از سوی خدا به همین شیوه مأمور شده ام».<sup>۳</sup>

امام علی علیه السلام فرمود: «رسول خدا ﷺ بخشنده ترین مردم، و در رفت و آمد و همراهی کریم ترین مردم بود؛ به گونه ای که هر کس با او رفت و آمد می کرد و او را می شناخت، محبتش در قلبش می افتاد».<sup>۴</sup> آن حضرت در بخشش، هرگز به خود نمی اندیشید، از این رو، به دوست و دشمن، و به باادب و بی ادب یکسان می بخشید. عربی بادیه نشین به رسول خدا ﷺ رسید و عبا ی ایشان را گرفت و به شدت کشید؛ به گونه ای که گوشه عبا در گردن رسول خدا ﷺ جا انداخت. آنگاه به رسول خدا ﷺ گفت: «ای محمد؛ دستور بده از مال خدا که در اختیار توست، به من بدهند». رسول خدا ﷺ تبسمی کرد و سپس دستور داد به او چیزی بدهند.<sup>۵</sup>

رسول خدا ﷺ فرمود: «سخاوت، درختی از درختان بهشت است؛ هر کس که شاخه ای از آن را بگیرد، نجات می یابد».<sup>۶</sup> از ایشان پرسیدند: برترین اعمال

۱. مکارم الاخلاق النسخ الطبرسی، ص ۱۷ (عن ابي سعيد الخدري يقول: كان رسول الله عينا، لا يسئل شيئا الا اعطاء).

۲. سنن النبي، ص ۱۲۶.

۳. الشمائل المحمدية، ص ۲۹۴.

۴. أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام قال: كان رسول الله ﷺ أجود الناس كفا وأكرمهم عشرة من خالطه فعرفه أحب. (مكارم الاخلاق الشيخ الطبرسي، ص ۱۷)

۵. مكارم الاخلاق، ص ۱۷.

۶. ارشاد القلوب، ص ۱۳۷.

کدام است؟ فرمود: «سخاوت و خوش اخلاقی، پس از این دو جدا نشوید تا سعادت یابید».<sup>۱</sup> همچنین فرمود: «هنگامی که خدا بهشت را آفرید، بهشت پرسید: پروردگارا! مرا برای چه کسی آفریده‌ای؟ خدا فرمود: برای هر سخاوتمند پرهیزکار. بهشت گفت: پروردگارا راضی شدم».<sup>۲</sup> رسول خدا ﷺ تأکید می‌کرد که انسان از سنین جوانی با ویژگی بخشش انس بگیرد؛ برای مثال می‌فرمود: «نزد خدا جوان بخشنده و خوش اخلاق از پیرمرد بخیل عابد و بد اخلاق محبوب تر است».<sup>۳</sup>

### ۱۰. سپاس‌گزاری

سپاس‌گزاری، شناخت زحمت و خدمت دیگران و تشکر و قدرشناسی از آنهاست خدای سبحان خود را به نام یا صفت «شاکر» یا «شکور» معرفی می‌کند: ﴿وَمَنْ تَطَوَّعَ خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۱</sup> و ﴿إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ﴾<sup>۲</sup>.

یکی از ارکان اصلی زندگی اجتماعی و پایداری پایه‌های جامعه این است که انسان‌ها زحمات و خدمات یکدیگر را ارج نهند. رعایت نکردن این اصل موجب دلسردی زحمت‌کشان و نیکان شده، اندک اندک بی تفاوتی اعضای جامعه نسبت به کارهای نیک و خدمت به جامعه را در پی دارد و صمیمیت و همدلی لازم برای زندگی اجتماعی را از بین می‌برد. در مقابل، رعایت این اصل موجب انسجام، پیوستگی و همدلی بیشتر اعضا و استحکام جامعه می‌شود، از این رو، اعضای جامعه نباید در برابر خدمات یکدیگر بی تفاوت باشند و دست‌کم با گفتار، این وظیفه را به جای آورند. در قرآن و روایات نیز بر این وظیفه بسیار

۱. همان، ص ۱۳۷.

۲. همان، ص ۱۳۸.

۳. قال النبی ﷺ: «شاب سخی حسن الخلق أحب الی الله تعالی من شیخ بخیل عابد شیء الخلق» (کنز العمال، ح ۱۶۰۶۱)

ژ. بقره/ ۱۵۸.

ژ. سورا/ ۲۳.

تأکید شده است. خداوند نیز با صفت «بسیار سپاس گزار» توصیف شده است: **«إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ»**؛ در واقع، خداوند هیچ‌گاه کار نیک انسان‌ها را بی‌پاداش نمی‌گذارد.

اصل سپاس‌گزاری از خدمات دیگران، در نظر رسول خدا ﷺ آن همه مهم است که اساساً سپاس از خدا را بی‌سپاس از مردم رد می‌کند: «هر کس سپاس‌گزار مردم نباشد، سپاس‌گزار خدا نیست». <sup>۱</sup> در واقع، ایشان تشکر از مردم را شرط سپاس‌گزاری خدا می‌داند. ایشان به پاس خدمات مردم و خانواده خود از آنها تشکر می‌کرد؛ برای مثال همواره از حضرت خدیجه یاد می‌کرد و بر او درود می‌فرستاد و می‌فرمود: «خدیجه، هنگامی به من پیوست که همه مردم از من دوری می‌گزیدند؛ مرا در راه اسلام تنها نگذاشت و حمایت کرد؛ خدایش بیامرزد که زن پربرکتی بود و از او صاحب شش فرزند شدم». <sup>۲</sup> همچنین از کنیز آزاد شده‌ای به نام «تویبه» که در دوران شیرخوارگی، چند روز به ایشان شیر داده و ایشان را سرپرستی کرده بود، یاد می‌کرد و همواره به او احترام می‌گذاشت. حتی از مدینه برای او که در مکه می‌زیست، لباس و هدایایی می‌فرستاد و هنگامی که درگذشت بسیار غمگین شد و از حال خویشاوندان او جو یا شد تا نسبت به آنها محبت و دلجویی کند. <sup>۳</sup>

## ۱۱. میهمان‌نوازی

میهمان‌نوازی و آداب میهمان‌داری از مهم‌ترین مسائلی است که در سیره و سخن رسول خدا ﷺ به آن توجه بسیار شده است. ایشان می‌فرمود: «میهمان‌راهنمای بهشت است». <sup>۴</sup> ایشان میهمان را مایه آمزش گناهان دانسته است: «میهمان به

ژ. شورا/ ۲۳.

۱. قال رسول الله ﷺ: «من لم يشكر الناس لم يشكر الله». (سنن الترمذی، ج ۳، ص ۲۲۸، ح ۲۰۲۱)

۲. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۲.

۳. بحار الانوار، ج ۱۵، ص ۴۰۱؛ كحل البصر، ص ۵۴.

۴. الضیف دلیل الجنة، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۶۰ - ۲۶۱.

همراه روزی خود وارد خانه می‌شود و هنگامی که از خانه میزبان خارج می‌شود، همه گناهان آن خانه را با خود می‌برد.<sup>۱</sup> روزی به یاران خود فرمود: «هنگامی که خدا خیر و سعادت گروهی را بخواهد، برای آنان هدیه‌ای را می‌فرستد». گفتند: «چه هدیه‌ای». فرمود: «میهمان که به همراه روزی خود وارد می‌شود و به همراه گناهان اهل آن خانه بیرون می‌رود».<sup>۲</sup> ایشان خانه بی‌میهمان را خانه بی‌فرشته معرفی می‌کند: «خانه‌ای که میهمان در آن پای نمی‌نهد، فرشته‌ها در آن گام نمی‌نهند».<sup>۳</sup> نیز می‌فرماید: «هر کس میهمان را اکرام کند، هفتاد پیامبر را اکرام کرده و هر کس برای میهمان یک درهم خرج کند، چنان است که هزاران هزار دینار در راه خدا خرج کرده است».<sup>۴</sup>

ایشان افزون بر تأکید بر میهمان‌نوازی، بر اجابت دعوت برادر مسلمان نیز بسیار تأکید کرده است: «من به حاضران و غایبان اتم سفارش می‌کنم که دعوت برادر مسلمان خود را بپذیرند؛ هر چند که با او پنج میل فاصله داشته باشند، چرا که پذیرش دعوت مسلمان بخشی از دین است».<sup>۵</sup>

ایشان رد دعوت مسلمان و نیز پذیرش دعوت و عدم تناول غذای میزبان را نوعی جفا می‌دانست.<sup>۶</sup> از سوی دیگر، میهمانی ناخوانده را نکوهش می‌کرد. روزی به امام علی علیه السلام فرمود: هشت دسته اگر به آنها اهانت شد، نباید کسی جز خود را ملامت کنند؛ نخستین آنها میهمان ناخوانده است.<sup>۷</sup> همچنین می‌فرمود: «هر کس به میهمانی دعوت شود و او بی‌عذر و دلیل موجه رد کند، خدا و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را نافرمانی کرده است و هر کس بی‌دعوت بر سر سفره‌ای بنشیند، همانند

۱. الضیف يأتي القوم برزقه، فاذا ارتحل ارتحل بجمع ذنوبهم، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۶۱.

۲. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۶۱.

۳. کل بیت لا يدخل فيه ضيف لا يدخله الملائكة، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۶۱.

۴. ارشاد القلوب، ص ۱۲۸.

۵. اوصی الشاهد من امتی و الغائب ان یجیب دعوة المسلم ولو علی خمسة امیال؛ فان ذلك من الدین، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۴۷ - ۴۴۸.

۶. من الجفا... ان یدعی الرجل الی طعام فلا یجیب او یجیب فلا یأکل. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۴۷.

۷. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۶۴.

دزد وارد می‌شود و سرزنش شده خارج می‌شود».<sup>۱</sup>

روزی یکی از اهالی مدینه، ایشان و پنج نفر از یارانشان را برای صرف غذا دعوت کرده بود. یکی از یاران رسول خدا ﷺ در راه به آنها برخورد و با آنها همراه شد. وقتی به محل میهمانی رسیدند، حضرت به او فرمود: «اینان تو را دعوت نکرده‌اند، پس بنشین تا تو را به آنها معرفی کنم و از آنها اجازه ورود تو را نیز بگیرم».<sup>۲</sup> این ماجرا اولاً دلسوزی و حیای آن حضرت را نشان می‌دهد؛ ثانیاً بیانگر آن است که حضور در میهمانی بی دعوت، در نظر آن حضرت ناپسند بوده است. در روایات متعددی، برای میهمان و میزبان وظایفی بیان شده که در ادامه به برخی آنها اشاره می‌کنیم؛

### وظایف میزبان

۱. میزبان باید بکوشد که در میهمانی او، تنها ثروتمندان حضور نیابند، بلکه افراد نیازمند نیز بر سفره انسان حاضر باشند. رسول خدا ﷺ می‌فرمود: «بدترین غذا، سوری است که در آن، تنها افراد سیر حاضر باشند و از افراد گرسنه دریغ شود».<sup>۳</sup>

۲. میزبان نباید غذاهایی را که برای میهمانان حاضر می‌کند، کم و ناچیز بشمارد و به اصطلاح نباید آنها را ناقابل معرفی کند، چرا که چنین کاری کفران و تحقیر نعمت‌های الهی است «در گناه کاری انسان همین بس که آنچه برای برادرانش حاضر می‌کند، اندک شمارد، و در گناه کاری مردم هم همین بس که آنچه برادرشان برای آنها حاضر می‌کند، اندک شمارند».<sup>۴</sup>

۳. نکته بسیار مهم این است که در میهمان‌داری باید از تکلف و زحمت بی‌جا

۱. سنن ابی داود، ج ۲، ص ۱۹۶.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۲۲؛ بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۶.

۳. شر الطعام الولیمة یدعی الیها الشبعان و یحبس عنه الجیعان. (میزان الحکمة، ج ۵، ص ۵۲۲)

۴. کفی بالمرء اتما ان یستقل ما یقرب الی اخوانه. (المحاسن، احمد بن محمد بن خالد البرقی، تحقیق: السید جلال الدین الحسینی، دار الکتب الاسلامیة، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۴۱۲).

دوری کرد. رسول خدا ﷺ سفارش می فرمود که برای میهمان نوازی، به تکلف و زحمت بی جا نیتید.<sup>۱</sup> امام علی علیه السلام در پاسخ به فردی که ایشان را به میهمانی دعوت کرده بود، فرمود: «به شرطی می پذیرم که سه چیز را برایم تضمین کنی: از بیرون خانه چیزی نخوری و هرچه در خانه داری برایم حاضر کنی و خانواده ات را به زحمت نیندازی»، پس از آنکه که شخص این سه شرط را پذیرفت، امام دعوتش را اجابت کرد.<sup>۲</sup>

۴. بهتر است که در سفره برخی لوازم جانبی و ضروری، نظیر خلال دندان یا دستمال کاغذی برای میهمانان فراهم باشد. رسول خدا ﷺ فرمود: «از حقوق مهمان این است که خلال دندان برایش مهیا شود».<sup>۳</sup>

۵. میزبان باید همراه با میهمانان غذا بخورد؛ نه جدا از آنها. رسول خدا ﷺ فرمود: «هر کس که دوست دارد، خدا و رسولش او را دوست داشته باشد، باید همراه با میهمانش غذا بخورد».<sup>۴</sup>

۶. میزبان باید به بهترین صورت و نیز با خوشرویی و محبت کامل از میهمانان پذیرایی کند. رسول خدا ﷺ هنگامی که گروه نجاشی بر ایشان وارد شدند، خود شخصاً برخاست و به خدمت آنها پرداخت.<sup>۵</sup> همچنین رسول خدا ﷺ از اینکه از میهمان کار کشیده شود، نهی می کرد.<sup>۶</sup>

۷. رسول خدا ﷺ بدرقه میهمان را از حقوق وی می دانست و می فرمود: «یکی از حقوق میهمان این است که با او حرکت کرده، تا کنار درب خانه بدرقه اش کنی».<sup>۷</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۵۹.

۲. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۵۹.

۳. ان من حق الضیف ان يعد له الخلال، بحار الانوار، ج ۴۴۱/۶۳.

۴. من احب ان یجبه الله و رسوله فلیأکل مع ضیفه. (میزان الحکمة، ج ۲۳۹۹).

۵. المستطرف، ج ۱، ص ۲۳۸.

۶. بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۴۱.

۷. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۵۱.



## وظایف میهمان

برخی وظایفی که برای میهمان بیان شده، عبارت است از:

۱. پرهیز از میهمانی افراد فاسق و اهل گناه: رسول خدا ﷺ در وصایای خود به ابوذر فرمود: «ای ابوذر جز با مؤمنان مصاحبت نکن و جز افراد متقی از غذایت نخورند و از غذای افراد فاسق پرهیز کن».<sup>۱</sup>
۲. همچنان که پیش‌تر اشاره شد، میهمان باید از به همراه آوردن کسانی نظیر فرزند، دوست یا پدر و مادر که میزبان دعوتشان نکرده، پرهیزد.
۳. رعایت دقیق وقت تعیین شده، یعنی میهمان نباید زودتر یا دیرتر از وقت مقرر به خانه میزبان وارد شود.
۴. همچنان که پیش‌تر اشاره شد، میهمان نباید غذایی را که برایش حاضر می‌شود، ناچیز و اندک شمارد و به دیده حقارت به آن بنگرد.
۵. میهمان نباید بیش از سه روز در خانه میزبان اقامت کند. رسول خدا ﷺ فرمود: «میهمانی سه روز است و بیش از سه روز صدقه است و میهمان وظیفه دارد که پس از سه روز، از خانه میزبان برود».
۶. میهمان باید در تعیین جای نشستن، تابع نظر میزبان باشد، چرا که به تعبیر برخی روایات، صاحب‌خانه بهتر می‌داند که چه جایی از خانه‌اش برای حفظ حرمت و پوشش خانواده او مناسب‌تر است.<sup>۲</sup>

## ۱۲. دوست‌یابی و دوست‌داری

در زندگی اجتماعی، انسان‌ها نسبت به برخی انس بیشتری می‌یابند و او را دوست خود بر می‌گزینند. انتخاب دوست در فرایند زندگی اجتماعی، امری گریزناپذیر

۱. یا اباذر لا تصاحب الا مؤمنا ولا یأکل طعامک الا تقی ولا تأکل طعام الفاسقین. (مستدرک سفینة البحار، الشیخ علی النمازی، تحقیق: الشیخ حسن بن علی النمازی، قم: مؤسسه النشر الاسلامی لجماعة المدرسین، ۱۴۱۹، ج ۸۷، ص ۲۰۲).

۲. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۵۱.

است. در بسیاری موارد، دوست انسان، مهم‌ترین نقش را در تصمیم‌گیری‌ها و سرنوشت او ایفا می‌کند. قرآن مجید از کسانی یاد می‌کند که با برگزیدن دوستان بد، گرفتار عذاب جهنم شده‌اند و با حسرت می‌گویند: ای کاش با فلانی دوست نمی‌شدیم؛ «و روزی است که ستمکار دست‌های خود را می‌گردد [و] می‌گوید: ای کاش با پیامبر راهی برمی‌گرفتم و ای کاش فلانی را دوست [خود] نگرفته بودم»<sup>۱</sup>. در آیه دیگر نیز چنین آمده است: «یکی از بهشتیان می‌گوید: راستی من [در دنیا] همنشینی داشتم که به من می‌گفت: آیا واقعاً تو این سخن را باور می‌کنی که وقتی مردیم و خاک و [مشتی] استخوان شدیم، زنده می‌شویم و جزا می‌یابیم؟ [سپس] می‌پرسد: آیا شما از او اطلاعی دارید؟ پس او را در میان آتش می‌بیند و می‌گوید: به خدا سوگند چیزی نمانده بود که تو مرا به هلاکت اندازی! و اگر رحمت پروردگار نبود، هرآینه من [نیز] از احضار شدگان در دوزخ بودم»<sup>۲</sup>.

در اهمیت تأثیر دوست سرنوشت آدمی همین بس که رسول خدا ﷺ فرمود: «آدمی بر همان دینی است که دوستش بر آن است، پس دقت کنید که چه کسی را به دوستی برمی‌گزینید»<sup>۳</sup> و «اگر در مورد کسی شک داشتید و دیندار بودن او برای شما معلوم نبود، به دوستانش بنگرید؛ اگر دوستانش دیندارند، خود او دیندار است»<sup>۴</sup>. به دلیل تأثیر فراوان دوست در تصمیم‌گیری‌ها و رویکردهای انسان، روایات متعددی، به بیان شرایط دوست پرداخته‌اند. برخی شرایطی که برای دوست خوب بیان شده عبارت است از:<sup>۵</sup>

۱. داشتن ایمان و تدین.

۱. فرقان / ۲۷ - ۲۸.

۲. صافات / ۵۱ - ۵۵.

۳. قال النبی ﷺ: «المرء علی دین اخیه فلینظر أحدکم من یخالل» (ابو عبدالرحمن سلمی، «آداب الصحبة و حسن العشرة» در: مجموعه آثار ابو عبدالرحمن سلمی، گردآوری نصرالله پورجوادی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول: ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۶۵).

۴. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۸.

۵. رک: بحار الانوار، ج ۷۱، صی باب ۱۱.

۲. ظاهر و باطن او یکی باشد.
۳. افتخار تو را افتخار خود و ننگ تو را ننگ خود بداند.
۴. دریغ نکردن از آنچه در اختیار دارد برای تو.
۵. هنگام دچار شدن به مصایب و گرفتاری‌ها تو را تنها نگذارد.
۶. آنچه برای خود می‌پسندد، برای تو نیز پسندد.
۷. نادان نباشد.<sup>۱</sup>
۸. شرور نباشد.<sup>۲</sup>
۹. دورو، یعنی کسی که کردارش با گفتارش همسان نیست، نباشد.<sup>۳</sup>
۱۰. بدذات و خبیث نباشد.
۱۱. اهل فسق و فجور نباشد.
۱۲. امانت‌دار باشد.

رسول خدا ﷺ فرمود: «همنشین نشوید، مگر با عالمی که شما را از پنج چیز به پنج چیز فرامی‌خواند: از شک به یقین، از ریاکاری به اخلاص، از رغبت (به دنیا و گناهان) به دوری از آن، از تکبر به تواضع، و از حيله‌گری به خیرخواهی مردم».<sup>۴</sup>

در روایات آمده است که پیش از انتخاب دوست، او را آزمایش کنید و از انتخاب شتاب‌زده و بدون بررسی بپرهیزید. این آزمایش و ارزیابی، ممکن است از راه‌های گوناگونی صورت پذیرد:

۱. سپردن امانت به او و سنجش میزان امانت‌داری او.
۲. پیشنهاد کار ناپسند به او و دقت در نحوه عکس‌العمل او.
۳. عصبانی کردن او و دقت در نحوه واکنش او.

۱. قال النبی ﷺ: قطیعة الجاهل تعدل صلة العاقل. (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۹۸)
۲. قال النبی ﷺ: مجالسة الاشرار تورث سوء الظن بالاخيار و مجالسة الاخيار تملق الاشرار بالاخيار، (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۹۹)
۳. قال النبی ﷺ: واحذر صحابة من يقبل رأيه وينكر عمله. فان الصحاب معتبر بصاحبه. (بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۹۹).
۴. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۸۸ - ۱۸۹.

۴. دقت در گفتار و کردار او و پی‌جویی وجود ملاک‌های فوق برای دوست خوب.

۵. مسافرت با او و بررسی رفتار و اخلاق او در مسافرت.

۶. امتحان او با پیشنهاد های مالی گوناگون.<sup>۱</sup>

در روایات بر رعایت حقوق دوستان بسیار تأکید شده است؛ آن چنان‌که دستور داده شده، نام او، نام پدر، مادر، اجداد و محل سکونت او را از وی پرسید! روزی رسول خدا ﷺ ابن عمر را دید که دنبال چیزی می‌گردد. از او پرسید: «دنبال چه هستی؟» گفت: «در پی یکی از دوستانم». فرمود: «ای عبدالله! اگر کسی را دوست داشتی، نام او، نام پدرش، نام جد و خاندان و محل سکونتش را از او بپرس و هرگاه بیمار شد، به عیادتش برو و اگر از تو کمک خواست، به یاریش بشتاب».<sup>۲</sup>

#### ۱۴. خشنود کردن مردم

رسول خدا ﷺ از هیچ فرصتی شاد کردن مردم دریغ نمی‌ورزید و می‌فرمود: «هر کس مؤمنی را خشنود کند، مرا خشنود کرده و هر کس مرا خشنود کند، خدا را خشنود کرده است».<sup>۳</sup> نیز می‌فرمود: «محبوب‌ترین کارها نزد خدای عز و جل شاد کردن مؤمنان است».<sup>۴</sup>

ایشان این کار را گاه در قالب شوخی و مزاح انجام می‌داد. امام صادق ﷺ از یکی از یاران خود، در مورد شوخی با یکدیگر پرسید. او گفت: «کمتر شوخی می‌کنیم». حضرت فرمود: «چرا با یکدیگر شوخی نمی‌کنید؛ شوخی کردن اخلاقی نیکوست و شما با این کار موجب خوشحالی برادر خود می‌شوید. پیامبر

۱. ر.ک: تحف العقول، ص ۲۳۷؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۱۷۳ و ج ۷۵، ص ۲۳۹ و ۲۳۵؛ مصادقة الاخوان، للشيخ الصدوق علی بن بابويه القمی، اشراف السید علی الخراسانی الکاظمی، الکاظمیة: منشورات مکتبة الامام صاحب الزمان العامة، [بی‌تا]، ص ۷۲.

۲. ابو عبد الرحمن سلمی، «آداب الصحبة و حسن العشرة» در: مجموعه آثار ابو عبد الرحمن سلمی، گردآوری نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول: ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۷-۷۸.

۳. من سر مؤمننا فقد سرّنی و سرّنی فقد سرّ الله. (جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۲۶).

۴. ان احب الاعمال الی الله عز و جل ادخال السرور علی المؤمنین. (جامع السعادات، ج ۲، ص ۲۲۶)

خدا ﷻ به قصد خوشحال کردن مردم با آنها شوخی می‌کرد.<sup>۱</sup> روزی پیرزنی به ایشان گفت؛ «ای پیامبر خدا! از خدا بخواه که مرا به بهشت ببرد». رسول خدا ﷺ فرمود: «فلانی! هیچ پیرزنی وارد بهشت نمی‌شود». پیرزن از این سخن پیامبر گریست. حضرت فرمود: «به او بگویید، پیرزن با صورت پیر وارد بهشت نمی‌شود، بلکه خداوند نخست او را جوان می‌کند و سپس به بهشت می‌برد، چرا که خدای سبحان می‌فرماید: ﴿إِنَّا أَنشَأْنَهُنَّ إِنثَاءً \* فَجَعَلْنَهُنَّ أَبْكَارًا \* عُزْبًا أُمَّرَاتًا﴾<sup>۲، ۳</sup>

گاه برای خوشحال کردن یارانش، در گفتار خود کلمات غیر عربی را با کلمات عربی می‌آمیخت؛ برای مثال روزی به یاران خود فرمود: «قوموا فقد صنع لكم جابر سورا»<sup>۴</sup>؛ برخیزید که جابر برایتان سور درست کرده است. البته ایشان تأکید می‌کرد که در شوخی کردن نباید از حدود و قوانین الهی تجاوز کرد؛ برای مثال می‌فرمود: «هیچ بنده‌ای ایمان خود را کامل نمی‌کند؛ مگر آنکه آنچه برای خود دوست می‌دارد، برای برادرش نیز دوست بدارد و در مزاح و غیر مزاح، از خدا ترس داشته باشد».<sup>۵</sup> هم چنین شوخی کردن از راه دستاویز قرار دادن کارهای باطل و ناشایست را جایز نمی‌دانست و می‌فرمود: «من شوخی می‌کنم؛ اما جز حق بر زبانت جاری نمی‌شود». بنابراین، کسانی که به بهانه شوخی مرتکب گناه می‌شوند؛ برای مثال به دیگران تهمت می‌زنند، یا آنها را مسخره می‌کنند، از نظر ایشان نکوهش شده است.

## ۱۵. گذشت و خطاپوشی

گذشت از ویژگی‌های نیکوکاران است و در قرآن و روایات بر آن بسیار تأکید شده است؛ برای مثال در قرآن می‌فرماید: «و جزای بدی مانند آن بدی است، پس هر که

۱. مکارم الاخلاق، طبرسی، ص ۲۱.

۲. واقعه/ ۳۵ - ۳۷.

۳. الشرائع المحمدية، فصل فی مزاحه.

۴. اخلاق النبی وآدابه، ج ۴، ص ۹۳.

۵. کنز العمال، ج ۱، ص ۴۳، ح ۱۰۶.

درگذرد و نیکوکاری کند، پاداش او بر [عهده] خداست»<sup>۱</sup>.

گذشت از خطا و بدی دیگران، از مهم‌ترین و شاخص‌ترین ویژگی‌های انسان‌های بزرگوار است رسول خدا ﷺ، هیچ‌گاه بدی را با بدی پاسخ نمی‌داد، بلکه همواره می‌بخشید و از بدی افراد می‌گذشت.<sup>۲</sup> ایشان می‌فرمود: «آیا شما را از بهترین خلائق دنیا و آخرت آگاه نکنم؟ گذشت نسبت به کسی که به شما ستم کرده؛ پیوند با کسی که از شما بریده؛ نیکی در حق کسی که به شما بدی کرده و بخشش در حق کسی که از شما دریغ کرده»<sup>۳</sup>.

همواره مردم را به پیامدها و پاداش‌های دنیوی و اخروی بخشش بشارت می‌داد؛ برای مثال می‌فرمود: «گذشت جز عزت برای انسان نیفزاید، پس گذشت کنید تا خدا شما را عزیز کند»<sup>۴</sup> و «در روز محشر منادی ندا می‌دهد، کسی که پاداشش بر عهده خداست، برخیزد و وارد بهشت شود». می‌پرسند: «چه کسی پاداشش بر عهده خداست؟» می‌گوید: «کسانی که نسبت به مردم گذشت داشتند»<sup>۵</sup> و «هر کس به گاه قدرت، گذشت کند، خداوند در روز لغزش و لرزش گام‌ها (روز قیامت) از خطاهای او می‌گذرد»<sup>۶</sup>.

## ۱۶. فرو خوردن خشم

در عصر حاضر، فشارهای روحی فراوانی بر انسان‌ها وارد می‌شود و این موجب اضطراب و عصبانیت شدید آنها می‌شود. باید با الگو گرفتن از قرآن و کلمات معصومان، به ویژه پیامبر اعظم، بر این ویژگی ویرانگر فایق آمد. از جمله ویژگی‌هایی که قرآن برای پرهیزکاران و نیکوکاران بر می‌شمرد، فرو بردن خشم و

۱. شورا/ ۴۰.

۲. سنن الترمذی، ج ۳، ص ۲۴۹، ح ۲۰۸۵.

۳. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۳۹۹.

۴. العفو لایزید العبد الا عراً فاعفوا یرکم الله. (کنز العمال، ح ۷۰۱۲)

۵. کنز العمال، ح ۷۰۰۹.

۶. کنز العمال، ح ۷۰۲۳.

گذشت از خطای مردم است: «و خشم خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند و خداوند نکوکاران را دوست دارد»<sup>۱</sup> و «و چون به خشم در می‌آیند، در می‌گذرند»<sup>۲</sup>.

رسول خدا ﷺ با هشدار نسبت به عواقب زیانبار خشم، می‌فرمود: «غضب سنگی از سوی شیطان است»<sup>۳</sup> و «غضب ایمان را فاسد می‌کند؛ همچنان که سرکه غسل را»<sup>۴</sup>. در فرازی دیگر فرمود: «غضب سنگی (از سوی شیطان) در قلب آدمی است؛ آیا ندیده‌اید که چشمان فرد عصبانی قرمز می‌شود و رگ‌هایش گشاد می‌شود؟ پس هر کس اندکی احساس خشم کرد، باید به زمین بچسبید»<sup>۵</sup> (کنایه از تغییر حالت و خوابیدن روی زمین برای فرو خواباندن خشم).

روزی رسول خدا ﷺ از یاران خود پرسید؛ «در میان شما قهرمان کیست؟» گفتند: شخص بسیار توانمندی که پهلویش به زمین نیاید. پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «بلکه قهرمان واقعی مردی است که شیطان را در قلبش سرکوب کند و خشم او شدید گردد و خون در رگ‌هایش آشکار شود؛ ولی او خدا را یاد کند و با بردباری خود، غضبش را سرکوب کند»<sup>۶</sup>. روزی به عده‌ای برخورد که با بلند کردن سنگی زورآزمایی می‌کردند فرمود: «این چیست؟» گفتند: «بلند کردن این سنگ معیاری است که با آن می‌فهمیم قوی‌ترین فرد کیست». فرمود: «می‌خواهید بگویم قوی‌ترین و توانمندترین شما چه کسی است؟» گفتند: «آری، ای پیامبر خدا!» فرمود: «قوی‌ترین و توانمندترین شما کسی است که هنگام خرسندی، به گناه و باطل نیفتد و خشم وی را از سخن حق دور نسازد و به هنگام قدرت، به کاری که شایسته و حق نیست، روی نیاورد»<sup>۷</sup>. ایشان فرو خوردن خشم را موجب تقویت

۱. آل عمران/ ۱۳۴.

۲. شورا/ ۳۷.

۳. الغضب جمرة من الشيطان. (بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۶۵).

۴. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۶۵.

۵. سنن الترمذی، ج ۳، ص ۳۲۸.

۶. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۱۵۰.

۷. مشکوة الانوار، ص ۷۲.

ایمان دانسته، می فرماید: «... هر کس خشمش را فرو خورد، خدا درونش را از ایمان پر کند...»<sup>۱</sup>

افزون بر آن، فرو خوردن خشم، جلب مهربانی خدا را در پی دارد. از حضرت عیسی علیه السلام پرسیدند: «سخت ترین چیز چیست؟» فرمود: «خشم خدا». گفتند: «با چه چیز می توان از خشم او در امان ماند؟» فرمود: «اینکه خشمگین نشوید». گفتند: «منشأ خشم چیست؟» فرمود: «کبر و بزرگ دانستن خود و تحقیر و پست شمردن دیگران»<sup>۲</sup>.

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله با اصحاب خود در مسجد نشسته بود. عربی بادیه نشین وارد مسجد شد و در آنجا قضای حاجت کرد. اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله با عصبانیت بر سرش فریاد کشیدند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «لا ترموه» (رهاش کنید بگذارید کارش را بکند). سپس او را نزد خود خواند و فرمود: «مساجد برای کثیفی و قضای حاجت نیست، بلکه برای خواندن قرآن و یاد خدا و نماز ساخته شده اند»، سپس سطل آبی خواست و آنجا را تطهیر کرد.<sup>۳</sup>

انسان باید برای علاج غضب، علل به وجود آورنده آن را از بین ببرد و از زمینه هایی نظیر تکبر، خودپسندی، شوخی های بی جا، و... پرهیزد و به هنگام بروز خشم، تا می تواند وضعیت خود را تغییر دهد؛ برای مثال آن محل را ترک کند یا اگر ایستاده است، بنشیند و اگر نشسته است، بخوابد و نیز خدا و قدرت او را یاد کند و با یادآوری اجر فرو خوردن خشم، بر آن غلبه کند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به امام علی علیه السلام فرمود: «ای علی! خشمگین مشو و اگر خشمگین شدی بنشین و در قدرت پروردگار و بردباری ای که بر بندگانش دارد، بیندیش و اگر به تو گفتند: «از خدا بترس»، خشم را. خود دور کن و به بردباری روی آور»<sup>۴</sup>.

۱. بحار الانوار، ج ۶۶، ص ۳۸۲ ب.

۲. بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۴۶۳.

۳. اخلاق النبی وآداب، ج ۱، ص ۴۶۷.

۴. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ابن شعبه الحرانی، تحقیق: علی اکبر الغفاری، مؤسسه النشر الاسلامی لجماعة المدرسين، الطبعة الثانية، ص ۱۵.



در فرازی دیگر، وضو گرفتن را راه فرو بردن خشم معرفی می‌فرماید: «غضب از شیطان است و شیطان از آتش و آتش هم با آب خاموش می‌شود، پس هر که خشمگین شد، وضو بگیرد»<sup>۱</sup>.

البته نکته‌ای که باید بدان توجه کرد این است که انسان در مواردی که حقی پایمال یا دین خدا منکوب می‌شود، باید خشمگین شود. از این گونه خشم در آیات و روایات ستایش شده است. در قرآن، در بیان ویژگی یاران پیامبر آمده است: ﴿أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ﴾<sup>۲</sup> و نیز به رسول خدا ﷺ دستور می‌دهد: ﴿يَتَأْتِيهَا النَّبِيُّ جَهْدِ الْكُفَّارِ وَالْمُنَافِقِينَ وَأَغْلَظُ عَلَيْهِمْ﴾<sup>۳</sup>. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «رسول خدا ﷺ برای دنیا خشمگین نمی‌شد؛ اما در مواردی که حقی پایمال می‌گردید، چنان خشم می‌گرفت که هیچ‌کس او را نمی‌شناخت و تا آن حق را نمی‌ستاند، هیچ چیز یارای ایستادگی در برابر خشم ایشان را نداشت»<sup>۴</sup>.

#### ۱۷. پرهیز از رهبانیت

بر اساس آموزه‌های منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، هیچ‌کس حق ندارد، دنیا را برای رسیدن به آخرت یا آخرت را برای رسیدن به دنیا رها کند. این دو از یکدیگر جدا شدنی نیست. ایشان همواره با رهبانیت مبارزه می‌کرد و به یاران خود می‌فرمود: «هرگاه دارای ثروت و دارایی شدید، باید اثر آن در شما مشاهده شود»<sup>۵</sup>. در سوره مائده می‌خوانیم: ﴿يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَحَرَّمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ \* وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلْالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ، مُؤْمِنُونَ﴾<sup>۶</sup>؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای شما

۱. میزان الحکمة، ج ۷، ص ۲۳۹ - ۲۴۰.

۲. فتح / ۲۹.

۳. توبه / ۷۳.

۴. مجمع الزوائد، ج ۸، ص ۲۷۳.

۵. إذا كان لك مال فليز عليك. (سنن النسائي، احمد بن شعيب النسائي، بيروت: دارالفكر، الطبعة الاولى:

۱۳۴۸ق، ج ۸، ص ۱۹۶)

۶. مائده / ۸۷ - ۸۸.

حلال کرده، حرام مشمارید و از حد مگذرید که خدا از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد و از نعمت‌های حلال و پاکیزه‌ای که خدا به شما ارزانی داشته، بخورید و از خدایی که به او ایمان دارید، پروا کنید.

در شأن نزول این آیه چنین آمده است: برخی یاران پیامبر، با تأثیرپذیری از سخنان ایشان دربارهٔ روز قیامت و سختی حساب، تصمیم گرفتند که روزها را روزه بگیرند و شب را به نماز برخیزند و روی فرش نخواستند و از خوردن گوشت و رابطه با همسران خود پرهیزند و دینا را رها کنند. در همین روزها همسر یکی از این افراد نزد عایشه آمد و عایشه با مشاهدهٔ ظاهر ناآراسته و ژولیدهٔ او گفت: «چرا به خود نمی‌رسی و آرایش نمی‌کنی؟» او ماجرای عبادت و عزلت‌نشینی همسرش را تعریف کرد. هنگامی که پیامبر از این ماجرا آگاهی یافت، همه یاران خود را به مسجد فراخواند و طی سخنانی فرمود: «هان! که من هرگز به شما دستور نمی‌دهم که همانند کشیشان مسیحی و راهبه‌ها، دنیا را کنار بگذارید. کناره‌گیری از خوردن گوشت و قطع رابطه با زنان و دیرنشینی و رهبانیت، در دین من نیست... رهبانیت امت من در جهاد است...». سپس فرمود: «انسان‌های پیش از شما، در اثر سخت‌گیری بر خود هلاک شدند. آنها بر خود سخت گرفتند، پس خدا نیز بر ایشان سخت گرفت.»<sup>۱</sup> در روایت دیگری رسول خدا ﷺ طی سخنانی تأکید کردند که من خود شب را می‌خوابم و از دواج می‌کنم و روزها نیز غذا می‌خورم، هر کس از راه و روش من اعراض کند، از من نیست.<sup>۲</sup>

## ۱۸. بی‌تکلفی

رفتارهای رسول خدا ﷺ در همهٔ حالات، خواه در خانه یا جامعه و در میان مردم، کاملاً از تکلف عاری بود. در توصیف ایشان گفته‌اند: در معاشرت با مردم، کمترین زحمت و هزینه‌ای را برای آنان نداشت و می‌فرمود: ما پیامبران و امنا و

۱. فانما هلك من كان قبلکم بالتشدید؛ شدوا علی انفسهم فشدد الله علیهم. (المیزان، ج ۶، ص ۱۱۳)

۲. فمن رغب عن سنتی فلیس منی. (همان)

پرهیزکاران از تکلف و زحمت بی جا بیزاریم.<sup>۱</sup>

امام علی علیه السلام در توضیح نحوه مجالست پیامبر برای امام حسن علیه السلام می فرماید: «همه نشست و برخاست های پیامبر، با یاد خدا بود. در مجالس برای خود جای خاص و مشخصی بر نمی گزید و دیگران را هم از این کار نهی می کرد. هنگامی که به مجلسی وارد می شد، در نخستین جای خالی می نشست و مردم را نیز به این کار توصیه می کرد».<sup>۲</sup> ابوذر می گوید: «هنگامی که پیامبر خدا میان یارانش می نشست، چنان بی تکلف و عاری از امتیاز طلبی بود که اگر فرد غریبه ای وارد می شد، بی پرسش از حاضران، نمی توانست تشخیص دهد که پیامبر خدا کدام یک از حاضران است، از این رو ما از ایشان تقاضا کردیم که در میان حاضران جای خاصی را برای خود قرار دهد که افراد تازه وارد، ایشان را از سایرین تشخیص دهند».<sup>۳</sup>

پیامبر رحمت، چنان بی تکلف و متواضع بود که برای راحتی افراد تازه وارد و برای آنکه سایر حاضران در زحمت نیفتند، این تقاضا را پذیرفت و برای ایشان سکویی از گل ساخته شد و از آن پس پیامبر بر روی آن می نشست و سایر حضار در اطراف ایشان.<sup>۴</sup> این مسئله نشانگر آن است که پیامبر رحمت در میان مردم، هرگز به فکر خود نبود و تاملی توانست کاری می کرد که مردم از تکلف و زحمت به دور باشند؛ در واقع، رفع نیاز مردم در درجه نخست اولویت های رفتاری ایشان بود.

خود ایشان می فرمود: «من سه چیز را ترک نخواهم کرد: سوار شدن بر الاغ بی پالان، غذا خوردن بر روی حصیر به همراه بندگان و اینکه با دستان خود به نیازمندان کمک کنم».<sup>۵</sup>

۱. نحن معاشر الانبياء والامناء والاتباء براء من التكلف. (مصباح الشريعة، منسوب به امام صادق علیه السلام، بیروت: مؤسسة الاعلمی، الطبعة الاولى: ۱۴۰۰ق، ص ۱۴۰ - ۱۴۱).

۲. سنن النبی، ص ۵۰.

۳. مکارم الاخلاق، طبرسی، ۱۶؛ سنن النبی، ص ۱۰۴.

۴. مکارم الاخلاق، طبرسی، ص ۱۶.

۵. همان، ص ۲۴.

روزی عمر نزد رسول خدا ﷺ آمد و دید که ایشان روی حصیری نشسته و آثار آن بر بدن شریف آن حضرت پیدا شده است. گفت: «ای پیامبر خدا! ای کاش زیر اندازی تهیه می کردید!» رسول خدا ﷺ فرمود: «مرا با دنیا چه کار! مثل من و دنیا، همچون سواره‌ای است که در روز گرمی در حال حرکت است؛ به درختی می‌رسد و زیر سایه آن لحظه‌ای آرام می‌گیرد و سپس آنجا را ترک می‌کند»<sup>۱</sup>.

هیچ‌گاه تظاهر نمی‌کرد؛ همانند بردگان غذا می‌خورد و همانند بردگان می‌نشست و می‌دانست که بنده خداست.<sup>۲</sup> در برخی روایات آمده است که هم روی زمین می‌نشست و هم روی زمین غذا می‌خورد.<sup>۳</sup>

### ۱۹. مسئولیت‌پذیری

در شریعت اسلام، هیچ‌کس در جامعه بی‌مسئولیت در نظر گرفته نشده است. هر کس بر اساس جایگاهی که در جامعه دارد، مسئولیت خاصی بر عهده دارد. رسول خدا ﷺ در حجة الوداع، در مقدمه سفارشات و بیانات مهم خود فرمود: «... من مسئولم و شما نیز مسئولید...»<sup>۴</sup> خطاب به قاریان قرآن فرمود: «ای گروه قاریان از خدا در مورد کتاب خدا پروا کنید؛ چرا که هم من مسئولم و هم شما. از من در مورد رساندن رسالت الهی به مردم خواهند پرسید و از شما در مورد کتاب خدا و سنت من که بر دوش دارید».<sup>۵</sup> در فراز معروف دیگر، مسئولیت را اعم از مسئولیت‌های فردی یا اجتماعی دانسته، فرمود: «هان! که همه شما در جامعه شبان و نگاهبان یکدیگرید و همه نسبت به هم مسئولید؛ امیری که بر مردم حاکم است،

۱. همان، ص ۲۵.

۲. بحار الانوار، ج ۱۶، ۲۲۵: (عن أبي عبد الله عليه السلام قال: كان رسول الله ﷺ يأكل أكل العبد يجلس جلوس العبد وتعلم انه عبده).

۳. مکرم الاخلاق، طبرسی، ص ۱۶.

۴. ... وانی مسؤول وانکم مسؤولون... (کنز العمال، ح ۱۲۹۱).

۵. تفسیر نور الثقلین، الشیخ عبد علی بن جمعه العروسی الحویزی، تحقیق: السید هاشم الرسولی المحلاتی،

الطبعة الرابعة: ۱۴۱۲، قم: مؤسسة اسماعیلیان، ج ۴، ص ۴۰۲.

شبان و مسئول مردم است. هر کس شبان خانواده خود است و درباره آنها باید پاسخگو باشد. زن مسئول و نگاهبان خانه همسر و فرزندان اوست و باید درباره آنها پاسخگو باشد.<sup>۱</sup> در فراز دیگر فرمود: «خدا از هر کسی که چیزی را در اختیار او گذاشته، خواهد پرسید که آیا را پاس داشته یا از بین برده است؛ حتی از انسان درباره اعضای خانواده اش نیز سؤال می‌کند».<sup>۲</sup>

ما باید با در نظر گرفتن سفارش‌های رسول خدا ﷺ و امامان، همواره آماده پذیرفتن مسئولیت‌هایی باشیم که در جامعه بر عهده ما گذاشته می‌شود. این کار هم رضایت الهی را در پی خواهد داشت و موجب کمال معنوی و روحی آنها خواهد گردید و هم در موفقیت اجتماعی آنها نقش به سزایی خواهد داشت. شانه خالی کردن از مسئولیت، از منظر اسلامی بسیار نکوهیده و منفور است.

روزی رسول خدا ﷺ با یاران خود همسفر بود. در ساعتی از روز تصمیم گرفتند که استراحت کرده، غذایی بخورند. یکی از اصحاب گفت: «سر بریدن گوسفند با من». دیگری گفت: «کندن پوست آن با من». سومی کار پخت و پز را بر عهده گرفت و افراد دیگر نیز به ترتیب، بخشی از تهیه غذا را بر عهده گرفتند. با اینکه افراد زیادی برای انجام کارها حضور داشتند، رسول خدا ﷺ فرمود: «جمع کردن هیزم از صحرا با من». یاران رسول خدا ﷺ گفتند: «ای فرستاده خدا! شما راحت باشید؛ ما خود با کمال افتخار همه کارها را انجام می‌دهیم. رسول خدا ﷺ فرمود: «می‌دانم که شما این کارها را انجام می‌دهید؛ اما خدا دوست نمی‌دارد که بنده اش را در میان یارانش، دارای موقعیت و وضعیتی متمایز ببیند».<sup>۳</sup> این را گفت: و برای جمع‌آوری هیزم رهسپار شد.<sup>۴</sup>

۱. الا کلکم راع و کلکم مسؤول عن رعیتہ... صحیح مسلم، مسلم بن الحجاج النیشابوری، بیروت: دار الفکر، [بی‌تا]، (۸جلدی)، ج ۶، ص ۸.

۲. کنز العمال، ح ۱۴۶۳۶.

۳. ان الله یکره من عبده ان یراه متمیزاً بین اصحابه.

۴. کحل البصر فی سیرة سید البشر، شیخ عباس قمی، ص ۶۸. (و نیز ر.ک: داستان راستان، شهید مرتضی مطهری، ص ۲۲).

به صورت خلاصه، مسئولیت‌های انسان در این دنیا به چند دسته تقسیم می‌شود.

۱. مسئولیت انسان در برابر خود.

۲. مسئولیت انسان در برابر خانواده (اعم از پدر و مادر، برادران و خواهران،

و همسر.

۳. مسئولیت انسان در برابر جامعه.

۴. مسئولیت انسان در برابر نعمت‌هایی که خدا به او بخشیده.

۵. مسئولیت انسان در برابر دین.

در اینجا نمی‌توانیم درباره همه این ابعاد بحث کنیم و تنها به این امر اشاره می‌کنیم که برای ایفای مسئولیت انسان در برابر دین، دو تعلیم اساسی تبیین شده است:

۱. امر به معروف.

۲. جهاد.

اگر انسان مشاهده کند که دین یا تعالیم دینی که به عنوان یک نعمت، در اختیار او قرار گرفته، سرکوب می‌شود یا احکام آن به سخره گرفته می‌شود یا در جامعه به آن عمل نمی‌شود، از باب امر به معروف و نهی از منکر و بار عایت شرایط و جزئیات آن، مسئول دفاع از آن است و اگر به تکلیف خود در برابر حفظ دین و مسائل دینی عمل نکند، در روز قیامت مؤاخذه خواهد شد و اگر به مملکت اسلام حمله شود، انسان موظف است، به جهاد و دفاع از کشور اسلامی و دین در برابر این حمله برخیزد.

## ۲۰. کار و تلاش

کار، مهم‌ترین رکن برپایی و پایایی انسان، خانواده و جامعه است. در آیات و روایات نیز بر کار و تلاش در عرصه‌های گوناگون تأکید شده است. رسول خدا ﷺ طلب روزی حلال را بر هر زن و مرد مسلمان واجب می‌داند و می‌فرماید: «پی‌جویی روزی حلال بر هر مرد و زن مسلمان واجب است».<sup>۱</sup> ایشان این کار را

۱. طلب الحلال فریضة علی کل مسلم و مسلمة. (بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹).

بهترین عبادت دانسته، می فرماید: «عبادت خدا ده بخش است که نه بخش آن پی جویی روزی حلال است» و در روایت دیگری فرمود: «عبادت هفتاد بخش است که بهترین آن پی جویی حلال است». <sup>۱</sup> کسانی که تنبلی کرده، بار زندگی خود را بر دوش دیگران می اندازند، ملعون می داند: «هر کس بار زندگی خود را بر دوش دیگران اندازد، ملعون است». <sup>۲</sup>

مردم را علاوه بر نتایج دنیوی کار، به پاداش های اخروی آن بشارت می داد: «هر کس از حاصل دسترنج خود بخورد، خدا به او با نظر رحمت می نگرَد و هرگز عذابش نمی کند»، <sup>۳</sup> بلکه همه درهای بهشت را به روی او باز می کند تا از هر یک که می خواهد وارد بهشت شود <sup>۴</sup> و «هر کس حاصل دسترنج خود را بخورد، همچون برقی درخشان از پل صراط می گذرد». <sup>۵</sup> در فراز دیگر فرمود: «هر کس از دسترنج خود بخورد، روز قیامت در شمار پیامبران قرار می گیرد و پاداش آنها را می برد». <sup>۶</sup> رسول خدا ﷺ هرگاه مرد نیرومند و سالمی می دید و از نیروی او در شگفت می شد، می پرسید: «آیا شغلی دارد؟» اگر پاسخ منفی می شنید، می فرمود: «از چشمم افتاد». وقتی علت را می پرسیدند، می فرمود: «چون اگر انسان شغلی نداشته باشد، دینش را دستمایه زندگی قرار می دهد»؛ <sup>۷</sup> کنایه از اینکه کسی که کاری ندارد، ممکن است در اثر فشار فقر و نیازهای زندگی، دین خود را تابع دنیایش قرار دهد و آن را وسیله ای برای تأمین زندگی خود قرار دهد یا دین فروشی کند یا دینش را از دست بدهد.

روزی در جمع یاران نشسته بود و جوان نیرومندی را دید که مشغول کار بود. یکی از حاضران گفت: «اگر این جوان نیروی جوانیش را در راه خدا به کار

۱. العبادة عشرة أجزاء تسعة أجزاء فی طلب الحلال. (بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹).

۲. تحف العقول، ص ۳۷.

۳. من أكل من كذبه نظر الله بالرحمة ثم لا يعذبه أبداً. (بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹)

۴. من أكل من كذبه حلالاً فتح له أبواب الجنة يدخل من أيها شاء. (بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹-۱۰)

۵. من أكل من كذبه مر على الصراط كالبرق الخاطف. (بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹)

۶. من أكل من كذبه كان يوم القيامة في أعداد الأنبياء و يأخذ ثواب الأنبياء. (بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۱۰)

۷. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۹.

می‌گرفت، شایسته تمجید بود». رسول خدا ﷺ فرمود: «این طور نگویند! اگر این جوان برای تأمین نیازهای خود یا پدر و مادر ناتوان خود کار می‌کند، در راه خدا گام برداشته است...»<sup>۱</sup>

انس بن مالک نقل می‌کند که رسول خدا ﷺ پس از بازگشت از جنگ تبوک، سعد انصاری به استقبال ایشان رفت. پیامبر هنگامی که با سعد دست داد، احساس کرد که دستان او زبر و خشن است. از او پرسید: «به دست چه آسیبی رسیده که چنین زبر و خشن شده؟» سعد گفت: «ای پیامبر خدا! با بیل و طناب، به کار و تأمین معاش خانواده‌ام مشغولم، از این رو دستانم زبر و خشن شده است». رسول خدا ﷺ با شنیدن این جمله، دستان سعد را بوسید و فرمود: «این دستی است که آتش جهنم با آن تماس پیدا نمی‌کند».<sup>۲</sup>

## ۲۱. رفتار در مجالس

جلسات پیامبر رحمت، سرشار از اخلاق پسندیده و الایی بود که رسول خدا ﷺ با گفتار و کردار حیات‌بخش خود، در افراد به وجود آورده بود. در جلسات ایشان، هرگز گناهی انجام نمی‌شد. جلسات پیامبر جلوه‌گاه بردباری، حیا، راست‌گویی و امانت بود. صدای افراد در آنها بلند نمی‌شد و حریم هیچ‌کس نمی‌شکست. اگر در جلسه از کسی اشتباهی سر می‌زد، در جای دیگر نقل نمی‌شد. همه حاضران انصاف را در حق یکدیگر رعایت و با یکدیگر براساس تقوا و پرهیزکاری رفتار می‌کردند. نسبت به یکدیگر فروتن بودند و به افراد بزرگ‌تر احترام کرده، با افراد کوچک‌تر مهربان بودند. نیازمندان را بر خود مقدم می‌داشتند و مراقب و محافظ افراد غریب بودند.<sup>۳</sup>

پیامبر در جلسات خود، همواره خوشرو، گشاده و نرم‌خو بود. هیچ‌گاه خشن و

۱. محجة البیضاء، ج ۳، ص ۱۴۰.

۲. فقیل یده رسول الله ﷺ و قال: هذه ید لا تمسها النار. (اسد الغایة، ابن الاثیر، (۵ جلدی)، تهران: اسماعیلیان، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۲۶۹)

۳. سنن النبی، ص ۵۲.



درشت‌خو یا سبک‌سر نبود. آن حضرت چنان رفتار کرده بود که در حضور ایشان نزاع و جدالی دربارهٔ یک مسئله در نمی‌گرفت. اگر کسی صحبت می‌کرد، همه ساکت می‌شدند تا سخنان او پایان پذیرد. همواره سعی می‌کرد، رفتاری همسان با رفتار حاضران داشته باشد و هرگز خود را تافته‌ای جدا بافته در مجلس محسوب نمی‌کرد؛ برای مثال اگر حاضران از چیزی به خنده می‌افتادند، رسول خدا ﷺ نیز می‌خندید و از آنچه حاضران شگفت‌زده می‌شدند، شگفت‌زده می‌شد... رسول خدا ﷺ با همه به گونه‌ای یکسان برخورد می‌کرد و حق همهٔ حاضران را به خوبی به جا می‌آورد؛ به گونه‌ای که هیچ‌کس احساس نمی‌کرد که از نظر رسول خدا ﷺ، فرد دیگری از او محترم‌تر است. هر کس با ایشان هم مجلس می‌شد، پیامبر از حضور او بلند نمی‌شد، بلکه چندان می‌نشست و صبر می‌کرد که خود او برخیزد.<sup>۱</sup> احترام افراد چنان برای ایشان مهم بود که اگر می‌خواست به کسی اشاره کند، هرگز با انگشت اشاره می‌کرد، بلکه با کف دست خود اشاره می‌کرد.<sup>۲</sup>

اگر کسی نزد پیامبر می‌آمد، حضرت حتماً برای احترام او واکنش نشان می‌داد؛ برای مثال از مکان خود جا به جا می‌شد. روزی فردی به مسجد آمد. رسول خدا ﷺ که تنها در مسجد نشسته بود، برای او جا به جا شد؛ وی گفت: «ای فرستاده خدا! جا برای نشستن زیاد است». حضرت فرمود: «این حق مسلمان بر مسلمان دیگر است که وقتی می‌خواهد بنشیند، دیگران برای او جا باز کنند»؛<sup>۳</sup> البته از اینکه انسان با ورود کسی بلند شود، نهی می‌کرد و می‌فرمود: «همانند عجم‌ها برای یکدیگر بلند نشوید؛ ولی اشکال ندارد که برای یکدیگر جا باز کنید»؛<sup>۴</sup> البته براساس برخی روایات، اهل بیت خود را استثنا می‌کرد و آن را جایز می‌دانست.<sup>۵</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۱۵۲؛ مکارم الاخلاق، ص ۱۷.

۲. مکارم الاخلاق، ص ۱۳.

۳. مکارم الاخلاق، طبرسی، ص ۲۵.

۴. مکارم الاخلاق، طبرسی، ص ۲۶.

۵. بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۴۶۷.

نحوه نشستن آن حضرت بسیار مؤدبانه بود؛ به گونه‌ای که هیچ‌گاه دیده نشد که پای خود را در حضور دیگران دراز کند.<sup>۱</sup> همچنین هیچ‌گاه مانند بسیاری عرب‌ها که دامن لباس را بالا می‌زدند و زانوهایشان دیده می‌شد، زانوهای خود را از زیر لباس بیرون نمی‌آورد.<sup>۲</sup> بیشتر اوقات رو به قبله می‌نشست.<sup>۳</sup>

روزی به یاران خود فرمود: «حق مجالس را ادا کنید». گفتند: «حق مجالس چیست؟» فرمود: «چشم‌هایتان را از گناه پوشیده دارید؛ جواب سلام را بدهید؛ نابینایان را راهنمایی کنید و امر به معروف و نهی از منکر کنید».<sup>۴</sup>



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۲۳۶.

۲. مکارم الاخلاق، طبرسی، ص ۱۷.

۳. مکارم الاخلاق، طبرسی، ص ۲۶.

۴. مکارم الاخلاق، طبرسی، ص ۲۶.